

بررسی «قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه» و اعمال آن در جنگ عراق علیه ایران

دکتر رضا نوربها

مقدمه

۱. جنگ، پدیده تلخ تکراری تاریخ، نه تنها طی قرن‌ها موجب ناتوانی و مرگ میلیون‌ها انسان در عرصه په‌ناور زمین گردیده بلکه تخریب و انهدام میراث‌های ارزشمند علمی و فرهنگی اقوام و ملل گوناگون را نیز دربرداشته است. تلخی جنگ را به‌خصوص انسان عصر ما که شاهد دو جنگ بزرگ جهانی بوده^۱ چشیده و طعم گزنده ناشی از مرگ انسان‌ها و نابودی شهرها و انهدام ارزش‌های والای انسانی را احساس کرده است. اما آخرین جنگ جهانی تجربه‌ای برای پایان نزاع‌ها نشده و جنگ‌های پس از آن^۲ نیز همچنان، و گرچه در ابعادی کوچکتر، ضرورت بحث در زمینه

۱. جنگ جهانی اولی (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵).

۲. نگاه کنید به جنگ‌های کره، ویتنام، اعراب و اسرائیل و جنگ عراق علیه ایران.

این پدیده دائمی تاریخ را بیشتر می‌سازد.

۲. گرچه جنگ در سیر تاریخ بشر به‌عنوان تنها راه‌حل تعارضات و مشکلات اقوام و ملل گوناگون مورد نکوهش اندیشه خلاق اندیشمندان و احساس بارور مصلحان قرار گرفته است اما اجتناب‌ناپذیری جنگ را در برخی از شرایط نمی‌توان انکار کرد و لذا انسان معاصر در مرحله اول برای جلوگیری از وقوع و در مرحله ثانی برای محدود ساختن آثار آن راه‌حلهای گوناگونی را جستجو کرده که مهمترین آنها تدوین شرایط و قوانین جنگ و یا تنظیم قراردادهایی جهت ضمانت اجرای تجاوز از مقررات جنگ بوده است. از زمره تلاشهای چشمگیر در زمینه تحدید آثار جنگ پس از افول نازیسم در آلمان و سقوط «رایش»، توجهی عمیق‌تر به ارزش میراثهای فرهنگی جامعه بشری است که گرچه قبلاً نیز بدان تا حد زیادی توجه شده بود اما ترقی صنعت تسلیحاتی به‌خصوص در جنگ دوم جهانی و وقوع بمبارانهای بسیار و عدم مصونیت شهرها و بناهای تاریخی از حملات هوایی موجب شد تا دول مختلف در قرارداد ۱۹۵۴

لايه به مسئله ميراث فرهنگي توجه کنند و اصول مشخصي را در اين زمينه عنوان نمايند.^۲

۳. بي‌ترديد، همان سان که حيات آدمي ارزشمند است و رشحات اين ارزش را مي‌توان در کلام دلپذير متکلمان و بيان دلنواز شاعران و عارفان يافت، همچنان که در وحی پيامبران و شکافت ذره ذره حيات در آزمایشگاه دانشمندان، اما تجلي اين ارزش نيز که در نقش افسونگر نقاش، شعر دلنشين شاعر، قلم توانمند نويسنده و بالاخره در هر نوع اثر هنري هنرمند منعکس است نيز از چنان ارزش والاي بهره مي‌برد که هرگونه خدشه‌اي بر آنها لطمه به احساس لطيف و زيبايي آدمي است که آن را در هنر زلال نقش حق مي‌جويد و صفاي عشق مي‌طلبد و هر نوع صدمه بر اين نقش جاودانه را جبران‌ناپذير مي‌داند. به ياد بياوريم تأثرمان را از آتشي که در کتابهاي کتابخانه دانشکده ادبيات اصفهان افتد که آتشي بود بر وجود مشتاقان کتاب، و مي‌بينيم سالهاي جنگ را

۲. رک. «قرارداد حمايت از اموال فرهنگي به هنگام نزاع مسلحانه»، لاهه، ۱۹۵۴.

که فروریختن بمبی بر صحن دانشگاهی یا مدرسه‌ای و تخریب برخی از آثار گران‌قیمت آن شهر دلنواز صفاهان که تابلوی گران‌قیمت تاریخ زندگی ملتی را ترسیم کرده است چگونه ما را می‌لرزاند، که فرو ریختن هر قطعه‌ای از موزه‌ای، مسجدی، کتابخانه‌ای و شهری فرو ریختن یادگارها و خاطره‌های تمدن کشوری است که با آن و در آن نفس می‌کنیم.

۴. با توجه به آنکه کشور ما از زمره کشورهای نادر جهان است که دارای غنای عظیم فرهنگی است و جای پای این فرهنگ کهن و غنی را می‌توان در گوشه و کنار کلیه شهرهای ایران که خود نیز هر یک اثری تاریخی هستند دید (در کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مسجدها و محله‌های قدیمی، حتی چهارسوی بازارها و کنج قهوه‌خانه‌ها)، لذا تعهد بر حفظ این آثار به‌خصوص به هنگام جنگ و آن‌هم جنگ‌های تهاجمی امروز که بمبهای مخرب و خوشه‌ای و موشک‌های با بردها مختلف، تهدیدی دائمی برای تمدن بشری و میراث‌های فرهنگی جامعه انسانی هستند بیش از همیشه به چشم می‌خورد و به همین دلیل،

در کنار اقدامات داخلی، مهمترین گام در زمینه بین‌المللی توجه به اجرای دقیق مقرراتی است که علی‌رغم ابهامات و ایرادها می‌توانند آثار نامطلوب جنگ را بر میراث فرهنگی جوامع کاهش دهند. به همین دلیل، بررسی قرارداد ۱۹۵۴ لاهه و نگاهی به نارساییها و ایرادهای آن و نیز اجرای این قرارداد در شرایط حاضر کشور ما که درگیر جنگی طولانی با عراق است^۴ و هر لحظه در تهدید تخریب و انهدام آثار فرهنگی خود می‌باشد می‌تواند مفید باشد. ابتدا قرارداد لاهه را بررسی می‌کنیم و آنگاه به اجرای قرارداد در جنگ عراق و ایران می‌پردازیم، سپس به اشکالات ناشی از قرارداد و اجرای آن خواهیم پرداخت و به‌عنوان نتیجه نیز مسائلی را عنوان خواهیم کرد.^۵

مبحث ۱

۴. این جنگ اکنون به پایان رسیده است اما خطر جنگ‌هایی مانند آن همیشه وجود دارد.

۵. این تحقیق به درخواست نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو که به‌خصوص در زمان «جنگ شهرها» مستمراً درگیر موضوع بوده انجام شده است. با امید آنکه بتواند در جهت حفظ اموال فرهنگی، پژوهشی مؤثر باشد.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۱۹۱

بررسی «قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه»^۶ و آیین‌نامه اجرایی آن

۵. «قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه» که در سال ۱۹۵۴ در لاهه به تصویب دول امضاکننده رسیده متکی برسند نهایی کنفرانس بین دولتها در مورد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه است.^۷ اما قرارداد خود نیز اثری از گذشته تاریخی است که بررسی آن جهت آشنایی با اندیشه‌هایی که قبل از ۱۹۵۴ در زمینه آثار فرهنگی وجود داشته ضروری است. ابتدا این گذشته را بررسی می‌کنیم، آنگاه به سند نهایی می‌پردازیم و سپس قرارداد را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

قسمت اول بررسی تاریخی

۶. قبل از ورود در مسیر تاریخی حمایت از اموال فرهنگی اشاره به این

6. Convention pour la protection des biens culturels en cas de conflit armé.

7. Acte final de la conference intergouvernemental sur la protection des biens culturels en cas de conflit armé, La Haye 1954.

نکته لازم است که واژه «اموال فرهنگی»^۸ در قرارداد ۱۹۵۴ لاهه به کار رفته است. قبلاً در قرارداد ۱۹۰۷ لاهه کلیه دولتها حمایت از اموال فرهنگی را وظیفه خود دانسته اما بدون ذکر واژه، صرفاً به احصا این اموال پرداخته بودند.

بند اول دوران قبل از جنگهای جهانی

۷. در دوران قدیم، بنابر آنچه جامعه‌شناسان و مورخان تحقیق کرده‌اند قانون جنگ به‌طور کامل حاکم بوده است. طبق این قانون که یادآور قانون جنگل است فاتح شهرهای مغلوب هرگونه تجاوزی به جان و مال و ناموس افراد و نیز تخریب یا انهدام کامل شهرها را توجیه می‌کرد. بناهای تاریخی و آثار هنری نه کششی برای فاتح داشت که او را مجذوب کند و نه علاقه‌ای که آنها را نگه دارد. تنها غنیمتی بود که اگر ارزشی برای آن می‌شناختند به درد تقسیم می‌خورد و نه بیشتر. تنها، و آن هم نه همیشه، مذهب

8. Biens culturels.

محدودیتی برای بناها و اشیای مقدس ایجاد می‌کرد.^۹ کارتاژ^{۱۰} یا کورنت^{۱۱} شهرهای غنی از اموال فرهنگی به‌هنگام حمله رومیان نابود شدند و اشیای مقدس نیز مصون از انهدام نگردید.

۸. رویه یاد شده در قرون وسطی ادامه پیدا می‌کند ولی «قانون جنگ» با جنگ عادلانه توجیه می‌شود. حق انجام چنین جنگ عادلانه‌ای^{۱۲} منجر به این نتیجه می‌گردد که «چیزی برای حریف باقی نماند».^{۱۳} مسئله جالب توجه این بود که حریفان همیشه جنگ خود را عادلانه توصیف می‌کردند و لذا قانون جنگ عادلانه با قانون جنگ دوران قدیم تفاوت نداشت. در این دوره کلیسا از قدرت فوق‌العاده‌ای

9. S. E. Nahil: Biens culturels et conflit armé, Recueil des cours, p. 66.

10. Carthage.

11. Corinthe.

۱۲. Jus ad bellum- نظریه جنگ عادلانه براین مبناست که اگرچه جنگ غیرمشروع است اما جرم نیست. مسائلی که تنها باید بدانها توجه کرد این است که چه کسی، به‌موجب چه قدرتی و برای چه دلیلی و به‌دنبال کدام هدف اخلاقاً و قانوناً جنگ را به راه انداخته است. نحوه اینکه جنگ چگونه هدایت شود (Jus in bello) مهم نیست. با وجود این، باید توجه کرد که پنجمین مجمع جامعه ملل (S.d.N) در سال ۱۹۲۴ جنگ تهاجمی (guerre aggressive) را یک جنایت بین‌المللی می‌داند. در این مورد رجوع کنید:

C. Lombois: Droit pénal international, p. 55.

13. E. Nahlic: op.cit., p. 68.

برخوردار بود و از این قدرت در جهت «انسانی کردن جنگ» در حد امکان استفاده می‌کرد. اما در مورد اموال فرهنگی آنچه که مورد حمایت قرار می‌گیرد بناهایی هستند که استفاده مذهبی دارند و کلیسا از آنها حمایت می‌کند. با وجود این، نمی‌توان گفت که این حمایت همیشه می‌توانسته مصونیتی برای ابدیه و اشیا مقدس ایجاد کند و بسیار دیده می‌شود که رعایت این مسئله در جنگها نشده است.^{۱۴}

۹. طلوع اسلام در شبه جزیره عربستان و مقاومت دشمنان در مقابل دین توحیدی موجب وقوع جنگهای متعدد چه در زمان پیغمبر اکرم (ص) و چه پس از وی گردید. در کلیه این جنگها کوشش می‌شد تا رویه‌های جنگی از قانون اسلامی تبعیت کند و لذا می‌توان از يك «نظام جنگی اسلامی» با شرایط خاص آن نام برد. اصول حاکم بر این نظام را می‌توان در سه نکته ایمان، انضباط و مدارا خلاصه کرد: سربازان باید احکام خداوندی را به اجرا گذارند، از

۱۴. به‌عنوان مثال، در سال ۱۲۰۴ میلادی جنگجویان صلیبی علی‌رغم نهي پاپ اینوسان سوم پس از فتح قسطنطنیه به غارت آن پرداختند. در این مورد مراجعه کنید به:

De la paix de Dieu a la paix de Fer; F. Duval, p. 58.

فرماندهان خود تبعیت کنند و با دشمنان مدارا نمایند. با توجه به این مسائل، اهداف جنگ اصولاً افراد غیرمسلمان را دربرمیگیرد و با ابنیه و آثار و شهرها کاری ندارد. به قول ولتر «مسلمانان با گذشتترین فاتحان زمین بودند»، شهری را تخریب نمی‌کردند و خانه‌های را ویران نمی‌ساختند و به‌خصوص وقتی مسئله عبارت از کنیسه‌ای و یا کلیسایی بود از احترام بسیار برخوردار می‌شد. در جنگی بین مسلمانان و مسیحیان در دمشق پس از هفتاد روز مقاومت یکصدنفر از نمایندگان هیئت روحانی مسیحی شب هنگام به چادر فرمانده سپاه اسلام وارد شدند و از ملایمت و مهربانی سربازان مسلمان در قبال مسیحیان یاد کردند و آنها را ستودند. فرمانده با محبت ایشان را پذیرفت و طبق پیمانی کتبی اعلام شد که کلیه دشمنی‌ها قطع می‌شود، همه ساکنان آزادند تا آنچه را که می‌خواهند با خود ببرند، خلفای آرامنه می‌توانند از زمینها و خانه‌های خود استفاده کنند و هفت کلیسایشان به آن مسترد می‌گردد.^{۱۰}

15. E. Nys: Le droit des gens dans les rapports des Arabes et Byzantins, Revue de droit

این مسئله نشان می‌دهد که هیچ کلیسایی تخریب نشده، هیچ خانه‌ای ویران نگردیده و هیچ زمینی به یغما نرفته است.

در نامه‌ای که «عمر و عاص» پس از فتح اسکندریه به خلیفه دوم می‌نویسد اعلام می‌کند که در جنگ سربازان بسیاری را از دست داده است ولی نهایتاً مسلمانان به پیروزی رسیده‌اند و اکنون باید که سربازان فاتح میوه پیروزی را بخورند، و پیشنهاد غارت اموال دشمنان مغلوب را می‌کند. خلیفه در پاسخ، عمرو را از این فکر برحذر می‌دارد و طرح غارت را به شدت رد می‌کند و به او فرمان می‌دهد که منابع و درآمد اسکندریه را برای خدمات عمومی و تبلیغ ایمان به‌کار گیرد.^{۱۶}

به‌طور کلی، می‌توان گفت در «نظام جنگی اسلامی» زنان و کودکان و پیران مصون از تعرض‌اند، رفتار با اسیران جنگی بر مداراست، آب‌نهر یا رودخانه دشمن را نباید مسموم کرد و تخریب اموال چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ ممنوع است.

international et de législation comparée, t.26, 1894, pp. 41 et et s.

16. Ahmad Rachid: Islam et le droit des gens, Academie de droit international, Recueil des cours, 1937, II, p. 490.

ممکن است گاهی قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» در شرایط جنگی این نظام کلی را دستخوش آسیب کرده باشد و برخی از مفسران نیز انهدام اموال کفار را در زمان جنگ توجیه می‌کنند اما - همچنان‌که اشاره شد - نظام جنگی در ارتباط با تفکر مسلمانان بر مبنای تقوا قرار می‌گیرد. انسانها باید یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری کنند نه بر گناه و دشمنی.^{۱۷} از سوی دیگر، اشاره به این نکته ضروری است که اسلام قبل از آنکه یک دولت باشد، یک دین^{۱۸} با اصول خاص و قواعد حقوقی مربوطه خویش است. حقوق اسلامی به «حق مالکیت» به نحوی روشن و دقیق احترام می‌گذارد و «ید مالکانه» از اعتبار بسیار برخوردار است. لذا به هنگام جنگ دو فرض پیش می‌آید: یا دشمنان بی‌قهر و جبر تسلیم می‌شوند که در این صورت اموال آنها محترم و مصون از تعرض باقی می‌ماند و حتی دیده شده که پس از جنگی طولانی نیز این‌چنین شده است، اما اگر مسلمانان با قهر و جبر بر این اموال

۱۷. تعاونوا علی البر و التقوای و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان (مائده/۲).

18. G.H. Bousquet: Le droit musulman, p. 63.

چیره می‌شدند باز به دلیل قرار گرفتن این اموال در تملک آنها تخریب و انهدامشان مشروعیت نداشت.

با توجه به مسائل عنوان شده هرچند متن خاصی در زمینه حمایت از اموال فرهنگی در حقوق اسلامی نمی‌تواند دید ولی بادقت در اصول کلی می‌توان آنها را در حمایت نظام جنگی اسلامی قرار داد.

۱۰. عبور از دوران قدیم و قرون وسطی، به سالهای تجدید حیات ادبی^{۱۹} در اروپا انجامید. شناخت ارزش هنر و هنرمند و تفکر در زمینه نقش این شناخت و تحولات جامعه فرصتی بود تا متفکران صدمات ناشی از جنگ را بر پدیده‌های هنری منعکس کنند و به‌ویژه جنگهای مقدم بر دو نزاع عالم‌گیر، چه در اروپا و چه در آسیا، زمینه این تفکر را ایجاد کرد. در این مورد، به‌خصوص جنگهای قرون شانزدهم و هفدهم شواهد قابل توجهی است که ذکر نمونه‌هایی از آنها با نقل آ. نهلیک جالب است. او می‌نویسد: «جنگهای قرون شانزدهم و هفدهم دلایلی را که بتواند در مقایسه با قرون وسطی نشان‌دهنده موقعیت

19. Renaissance.

مساعدتري باشد، به دست نمي دهد. حتي نيازي به گفتگو در جزئيات رفتار فاتحان خارج از اروپا نيست. به عنوان مثال، اسپانيائيها در امريكا به سال ۱۵۲۱ با اشغال شهر «تنوكتيتلان»^{۲۰} پايخت امپراتوري «آزتک»^{۲۱} ساختمانهاي شهر را خراب کردند و چهارصد معبد شهر را نابود ساختند... يا در مورد جنگهاي سيساله اي که از ۱۶۱۸ بر سر آلمان آمد و يا جنگ ۱۶۵۵ که سوئديها به لهستان حمله کردند، شهرهاي کامي تخریب شدند و آرشيوها، کتابخانه ها و مجموعه هاي هنري به غارت رفتند...»^{۲۲}.

۱۱. از اواخر قرن هفدهم به بعد افکار نويسندگان و فلاسفه اصولاً بيشتري معطوف به حقوق بشر مي گردد و نتيجتاً اعمالی که به اين حقوق خدشه وارد کند مورد مذمت قرار مي گيرد. جنگ نيز از زمره مسائلي است که در غالب نوشته ها از آن بحث ميشود و به تبعات آن، از جمله اموال فرهنگي و تخریب يا انهدام آنها،

20. Tenochtitlan.

21. Aztèques.

22. E. Nahlik: op.cit., p. 70.

توجه می‌گردد. نام‌های گروسیوس،^{۲۳} پوفندرف،^{۲۴} لاک،^{۲۵} روسو^{۲۶} و مونتسکیو^{۲۷} که هر یک به‌نحوی در مورد جنگ و انسانی ساختن آن بحث کرده‌اند فراوان ذکر می‌شود. گروسیوس تجاوز از حقوق طبیعی را ممنوع می‌داند و روسو و مونتسکیو به انسانی ساختن جنگ معتقدند. واتل معتقد است: «به هر دلیلی که به‌کشوری حمله شود باید از تخریب بناهایی که موجب فخرآدمی است چون معابد، ساختمانهای عمومی، مقبره‌ها و کلیه آثار قابل احترام خودداری کرد».^{۲۸}

۱۲. تأثیر اندیشه‌های بارور در جریان جنگ‌های قرن هجدهم مشاهده می‌شود: تعرضات به اموال فرهنگی ملایم‌تر می‌گردد، ولی این بدان معنی نیست که حفظ این اموال به‌عنوان اصل قابل پذیرشی مورد قبول باشد.^{۲۹}

23. Grotius.

24. Pufendorf.

25. Lock.

26. Rousseau.

27. Montesquieu.

28. Vattel: Le droit des gens, III, IX, 168.

۲۹. به‌عنوان مثال، وقتی گروه‌های ژنرال ناپلئون به ایتالیا می‌رسند برداشت برخی از اموال فرهنگی کشور مغلوب در شروط صریح موافقتنامه ترک‌مخاصمه و حتی در

۱۳. در قرون نوزدهم و بیستم، با گسترش علوم جدید چون باستان‌شناسی، کشف اشیاء قدیمی و ایجاد موزه‌های مختلف، اموال فرهنگی به‌عنوان ثروت ملی هر کشوری بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌گیرد. برای صیانت از این اموال، در حقوق داخلی از ضمانت‌اجراه‌های به‌خصوص جزایی و در حقوق بین‌الملل از نظریه‌های حقوقی بهره‌گرفته می‌شود. اموال فرهنگی کم و بیش به‌عنوان مالکیت خصوصی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱۴. در دکتترین قرن نوزدهم به محدودیت «حق برداشت اموال دشمن»^{۳۰} قناعت نمی‌شود بلکه جوهر این حق مورد حمله قرار می‌گیرد.^{۳۱} به اعتقاد بلونچلی حقوق بین‌الملل معاصر انجام حق برداشت اموال دشمن را در زمان جنگ مطلقاً ممنوع می‌کند.^{۳۲}

۱۵. علی‌رغم موفقیت‌های چشمگیر در زمینه تعدیل آثار جنگ و به‌خصوص حفظ

قرارداد صلح گنجانیده می‌شود (مراجعه کنید به نهلیک: همان، ص ۷۷).

30. Droit de butin.

31. E. Nahlik: op.cit., p. 23.

32. Bluntschli: Le droit international codifié, Paris 1870, § 657.

اموال فرهنگی چه در بحثهای نظری و چه در مسائل عملی تا هنگامی که قانون مشخصی وجود نداشته باشد امکان دستیابی به راه‌حلهای مختلف محدود می‌شود. بدین لحاظ، هرچند تلاشهای انجام شده مفید بود اما کافی به نظر نمی‌رسید. سنتها هرچند کارسازند اما تفسیرپذیرند و ضمناً متغیر در زمان و مکانند. نیاز به قانون احساس می‌شد.

۱۶. نتیجه تلاشها برای ایجاد قانون در زمینه حفظ اموال فرهنگی به دو کنفرانس لاهه در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ انجامید.^{۳۳} این دو قرارداد با قبول جنگ به عنوان یک پدیده قابل قبول، تفکر متفکران را در این زمینه که جنگ باید در محدوده نیروهای نظامی باشد می‌پذیرد و برای اموال فرهنگی سه گروه قواعد را مشخص می‌کند: اول قواعدی که اموال دشمن را به طور کلی دربرمی‌گیرد، دوم قواعدی که اموال خصوصی و عمومی را تفکیک

۳۳. البته، نباید فراموش کرد که قبلاً نیز قراردادهایی در زمینه‌های دیگر منعقد شده بود نظیر قرارداد ۱۸۶۴ ژنو در مورد بیماران و مجروحان جنگی. در مورد کنفرانسهای لاهه، به ویژه مقررات ۱۹۰۷ لاهه - که مواد ۲۷ و ۵۶ آن در مورد اموال فرهنگی است - از اهمیت زیادی برخوردار است.

می‌کند، و سوم قواعدی که مقررات خاصی را برای برخی اموال دارای حق تقدم ایجاد می‌نماید.^{۳۴}

۱۷. کلیه کشورهای امضاکننده قرارداد، در مورد حق تقدم اموال فرهنگی متفق‌القولند و ضمانتهایی برای حمایت از این اموال پیش‌بینی می‌کنند. واژه «اموال فرهنگی» - همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم -^{۳۵} هنوز ایجاد نشده و اموال فقط احصا شده است نظیر بناهای تاریخی،^{۳۶} آثار علمی و هنری،^{۳۷} بناهای اختصاص‌یافته به فرهنگ و هنر و علوم.^{۳۸}

۱۸. پیش‌رفت‌های فراوان در قراردادهای لاهه به اعتقاد بسیاری در برخی از زمینه‌ها محدود است. به‌عنوان مثال، در کلیه مواد از جنگ بحث می‌شود ولی هر نوع نزاعی خارج از جنگ مشمول این قرارداد نمی‌شود. مسائل دیگری چون «تشخیص ضرورت نظامی» برای بمباران و

۳۴. نگاه کنید به قراردادهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه.

۳۵. مراجعه کنید به شماره ۶ این مقاله.

۳۶. مقررات ۱۹۰۷، مواد ۲۷ و ۵۶؛ نهمین قرارداد ۱۹۰۷، ماده ۵.

۳۷. مقررات ۱۹۰۷، ماده ۵۶.

۳۸. مقررات ۱۹۰۷، مواد ۲۷ و ۵۶؛ نهمین قرارداد ۱۹۰۷، ماده ۵.

غیره نیز مشخص نشده است.^{۳۹} به هر حال، قبل از شروع جنگ جهانی اول قرارداد کاملی هنوز در مورد جنگ زمینی وجود نداشت اما مقررات پراکنده‌ای در مورد جنگ دریایی و مفاهیم مبهمی نیز از جنگ هوایی دیده می‌شد.

بند دوم جنگ جهانی اول

۱۹. شروع جنگ جهانی اول آغاز تحول تازه‌ای بود در روابط بین‌المللی و در روند جنگهایی که تا آن تاریخ بیشتر منطقه‌ای بود. بهانه‌جویی آلمان برای حمله به صربستان آتشی را روشن کرد که شعله‌های آن چهار سال تمام زبان کشید و بسیاری را در کام خود فرو برد. در این زمان نه تنها مجدداً «قانون جنگ» رونق می‌گیرد بلکه کوشش می‌شود تا با توجیه حقوقی، مسئله به ظاهر حل گردد.

۲۰. به دنبال بمباران کلیسای "Reims" و شهرداری "Ypres"، فرانسه و بلژیک آلمان را متهم به حمله به مناطق مسکونی و

39. A. Nahlik: op.cit., pp. 94 et 95.

غیرنظامی کردند.^{۴۰} در پاسخ، آلمان استناد به رفتار رقیب، ضرورت نظامی و تلافی کرده است بدین استناد که کلیسا و شهرداری بمباران شده برای اهداف نظامی به کار رفته اند (فرانسه و بلژیک این مسئله را انکار کرده اند) و ضرورت نظامی ایجاب می‌کرده تا از بمباران استفاده شود؛ و انگهی بمباران انجام شده در پاسخ به بمبارانهای فرانسویان به مراکز تاریخی و هنری آلمان است.

۲۱. از نظر تئوری طبق دکترین حاکم آلمان، خصم اجازه دارد به‌عنوان تلافی کلیه قواعد حقوق بین‌الملل را معلق سازد و به هر یک از اموال دشمن که ضروری تشخیص دهد حمله برد. بناهای تاریخی و آثار هنری نیز از آن جمله اند. و انگهی، چگونه می‌توان دغدغه‌ای از یک اثر هنر ساخته دست انسان داشت وقتی که زندگی در خطر است؟^{۴۱}

40. Commission d'enquête sur les violations des règles du droit des gens, des lois et coutumes de la guerre. Rapport et documents d'enquete, I, Bruxelles 1922, pp. 97-110, 120-128.

۴۱. حقوقدانان آلمانی بین حق جنگی که طبیعتاً قابل اجرا است (Kriegsmanier) و تخلفات از این قانون در موارد پیش‌بینی شده به وسیله «دلیل جنگ» (Ratio- Belli-Kriegsration) تفکیک قائل می‌شدند. دلیل جنگ اجازه هر رفتاری را می‌داد.

[Kunstwerk aus menschlicher Hand, Kunstwerk des menschlichen Lebens]

۲۲. نظریه بالا که منطبق با عقیده «فن‌لیتز» است با عقیده حقوقدانان کشورهای دیگری مطابقت ندارد. تلافی به اعتقاد ایشان موانع شدیدی را ایجاد می‌کند، از جمله به دشواری می‌توان تناسب بین عمل انجام شده و تلافی را مشخص کرد. وانگهی، تلافی اغلب مردم غیرنظامی و مناطق مسکونی را دربرمی‌گیرد. اشخاصی که با جنگ رابطه‌ای ندارند^{۴۲} و اصولاً حمله‌ای از آنها سرنزده است تا موجب تلافی شود مورد حمله قرار می‌گیرند. به علاوه، در تجربه دیده شده به تدریج که عمل تلافی انجام می‌شود، عکس‌العمل نسبت به آن نیز به همین عنوان شدیدتر است و عملیات بعدی هم تحت همین عنوان شدت وحدت بیشتری پیدا می‌کند.^{۴۳}

با توجه به رد قصاص به شکلی که نویسندگان آلمانی مطرح می‌کنند به عقیده همین حقوقدانان تلافی در تمامی ادوار

۴۲. نظریه بسیاری از حقوقدانان بر این است که جنگ رابطه دولت با دولت است.

43. A. Mérignhac: De la sanction des infractions au droit des gens commises au cours de la guerre Européenne; Rev. gen d. dro. Int. pub., Tome XXIV, 1917, pp. 9 à 12.

تاریخ قبول شده و امروز نیز طبق عرف بین‌المللی اجازه داده شده است و کوششهای زیادی به عمل آمده تا بتوانند آن را تحت نظم و قانون درآورند، از جمله در ۱۸۷۴ در بروکسل چنین تلاشی به عمل آمد که نتیجه‌ای نداد. کنفرانسهای لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ نیز موضوع را به سکوت برگزار کرده‌اند. لذا تلافی باقی مانده است اما ضرورت دارد که تحت نظم و قاعده مشخصی درآید. با توجه به اینکه قانون مشخصی در این زمینه وجود ندارد بهتر است از عرف بین‌المللی استفاده کنند و در این استفاده مسائل زیر باید مورد توجه قرار گیرد^{۴۴} و تلافی منطبق با این مسائل باشد:

اولاً، نبایستی مطلقاً به اعمال وحشیانه و غیرانسانی که قوانین کلی جنگ آنها را ممنوع کرده است بینجامد. ثانیاً، باید متناسب با حمله‌ای باشد که توسط دشمن انجام شده است.^{۴۵}

44. Merignhac: Traité de droit public international, 3^e, partie, tome 1, p. 350 et s. comp. le protocole XVI de la conférence de Bruxelles, séance du 20 août 1874, Actes de la conférence, p. 40.

45. تناسب بین فعل و تلافی در حقوق ملی کشورها در مورد جرایم عمومی نیز در بحث دفاع مشروع عنوان شده است که

ثالثاً، باید توسط فرماندهای نیروهای مسلح انجام شود.

رابعاً، باید نسبتبه مسئولانی که اعمال خسارت‌آور ناشی از رفتار آنها بوده انجام گیرد و به هیچ‌وجه مردم غیرمتجاوز را دربرنگیرد.

به‌رحال، باید این اندیشه شیطانی را که جنگ اجازه هر نوع رفتاری نسبتبه بشر و آثار فرهنگی و تاریخی او می‌دهد و انسان به بربریت ابتدایی سقوط می‌کند از ذهن خارج کرد زیرا وجدان آگاه بشری این طرز تفکر را محکوم کرده است.^{۴۶} و ^{۴۷}

۲۳. این توجیه که تلافی به‌هنگام جنگ ضروری است و باعث می‌گردد تا شدت عمل بیشتری نسبتبه حمله دشمن از طرف رقیب به‌عمل آید موجب شد که در ۱۹۲۸ دادگاه داورى متشکل از سه عضو بی‌طرف در اختلاف بین پرتقال و آلمان^{۴۸} مشروعیت تلافی را

به‌موجب آن یکی از شرایط دفاع مشروع تناسب بین تجاوز واقع شده و دفاع انجام یافته است.

۴۶. به‌عبارت‌دیگر تفکیک انجام شده توسط حقوق‌دانان آلمانی (پانوش ۴۱) قابل قبول نیست.

۴۷. ممنوعیت تلافی یا اعمال انتقامی در مورد اموال فرهنگی در قرارداد ۱۹۵۴ لاهه (بند ۴ ماده ۴) با صراحت قید شده است: «طرفین قرارداد هر نوع اقدام مبنی بر تلافی را در مورد اموال فرهنگی ممنوع اعلام می‌کنند».

۴۸. این مطلب به‌مورد "Naulilaa" مشهور شده است.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۰۹

در تناسب قابل قبول بین تجاوز انجام شده و تلافی تشخیص دهد.^{۴۹}

۲۴. مسائل ایجاد شده در زمینه حمله به شهرها و تأسیسات هنری و فرهنگی موجب شد که پس از جنگ یکسری اقدامات در جهت حمایت از اموال فرهنگی انجام شود. مهمترین این اقدامات در سطح محدود قراردادی است که در ۱۵ آوریل ۱۹۳۵ کشورهای امریکایی در واشنگتن برای حمایت از تأسیسات هنری و علمی و بناهای تاریخی در زمان جنگ امضا کردند.^{۵۰} «شایستگی دارد اولین سندی باشد که مسئله حمایت از تأسیسات فرهنگی را عنوان نموده است»،^{۵۱} اما در سطح وسیع ابتکار مهمتر از طرف «اداره بین‌المللی موزه‌ها»^{۵۲} انجام شده که در ۱۹۳۷ وظیفه تدوین طرح قراردادی را در مورد حمایت از بناها و آثار هنری در جریان نزاع مسلحانه برعهده گرفت. این کمیته در

49. Recueil des sentences arbitrales, II ed., O.N.U., 1949, p. 1028.

۵۰. این قرارداد به "Pacte Roerich" معروف شده است که با ابتکار پروفیسور "Nichola Roerich" پس از چند سال تلاش منعقد گردیده است. رجوع شود به:

The Department of State Treaty Information Bulletin, 1935, No. 67.

51. E. Nahlik: op.cit., p. 105.

52. L'office international des musées.

۱۹۳۸ طرحی را تدوین کرد^{۵۳} که اساس قرارداد ۱۹۵۴ لاهه گردید.

بند سوم جنگ جهانی دوم

۲۵. با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم و گسترش سریع آن گویی که تمامی قراردادها ارزش خود را از دست می‌دهند. بمبارانهای کور، شهرها و دیگر بناهای تاریخی را درهم می‌کوبد. بی‌آنکه ضرورت نظامی ایجاب کند، کشورها تخریب و نابود می‌شوند. هیتلر مصمم شده بود تا برخی از شهرها را از نقشه جغرافیا حذف کند و لذا اهمیتی نداشت که موزه‌ای آتش بگیرد، کتابخانه‌ای خراب شود و یا شهری نابود گردد. آنچه هم می‌نمود حفظ «رایش» به هر قیمتی بود!!

۲۶. شش سال جنگ مجالی برای تفکر در زمینه حمایت از اموال فرهنگی نمی‌گذاشت. با پایان جنگ موضوع استرداد اموال فرهنگی، و نه حمایت از آنها، در

53. Art et archeologie; Recueil de législation comparée et de droit international, n° 2, 1940, pp. 60 et s.

قراردادهای مختلف صلح مطرح می‌شود. هر پنج قرارداد صلح امضا شده در پاریس در ۱۰ فوریه ۱۹۴۷ بندهای خاصی را به‌مورد استرداد اختصاص داده‌اند. در مورد آلمان هیتلری موافقتنامه‌های یالتا^{۵۴} و پتسدام^{۵۵} علی‌رغم آنکه آلمان را مسئول يك جنگ تهاجمي شناخته و تجاوز این کشور را به قوانین و سنتهای جنگ پذیرفته‌اند، به اموال فرهنگی اشاره‌ای ندارند در حالی‌که از «ترمیم» فراوان بحث شده است. ۲۷. برای نخستین بار در ۸ اوت ۱۹۴۵ چهار قدرت بزرگ در لندن موافقتنامه‌ای را برای ایجاد يك دادگاه نظامي بین‌المللي^{۵۶} امضا کردند تا جنایتکاران جنگی را پس از جنگ محاکمه کنند و به مسائل مختلفی که به واسطه جنگ پیش آمده بود رسیدگی نمایند و از جمله تخریب یا

54. Yalta.

55. Potsdam.

۵۶. این دادگاه که به مناسبت تشکیل در شهر نورمبرگ (Nuremberg) اصولاً به «دادگاه نورمبرگ» شهرت دارد مکلف به رسیدگی به جنایت جنایتکاران جنگی آلمان و دیگر کشورهای مسئول بود. علاوه بر آن، دادگاه نظامي دیگری نیز که به «دادگاه توکیو» شهرت دارد برای رسیدگی به جنایات جنگی در خاور دور تشکیل شد (International Military Tribunal for Far East: I.M.T.F.E) اساسنامه این دو دادگاه منضم به سند تشکیل آن در کلیات مشترکند.

غارت اموال فرهنگی کشورهای اشغال شده را مورد بررسی قرار دهند.^{۵۷}

۲۸. اساسنامه دادگاه نظامی پس از اشاره به قوانین و سنتهای جنگ (بند ب ماده ۶) به عنوان مثال تخریب بی‌دلیل شهرها و شهرکها را یادآوری می‌کند و در کیفرخواست علیه متهمان اتهام غارت و تخریب نیز گنجانیده شده بود ولی، در حقیقت، این اتهام ثانوی بود و جنایتکاران جنگی بیشتر از نظر قلع و قمع انسانها و کشتار وحشیانه آنها و ایجاد کوره‌های آدم‌سوزی مجازات شدند تا غارت و تخریب شهرها و یا نابودی میراثهای فرهنگی کشورهای مورد حمله آلمان.^{۵۸}

۵۷. در اکتبر ۱۹۴۳ کمیسیون متشکل از نمایندگان کشورهای متفق (United Nation War Crimes Commission)، مکلف به جمع‌آوری کلیه اطلاعات در مورد جنایات جنگی از جمله غارت و تخریب اموال فرهنگی کشورهای اشغال شده گردید. Commission for protection and restitution of cultural material, proces-verbaux des séances XV, XVII et XVII.

۵۸. در مواردی که مسئولیت مستقیماً برعهده فردی قرار گرفته است، چون «مسئولیت غارت موزه‌ها و کتابخانه‌ها و ضبط آثار هنری و کلکسیون‌ها» که برعهده روزنبرگ (Rosenberg) قرار گرفت. همچنین، ژنرال یودل (Jodl) محاکمه و محکوم شد به واسطه اینکه در ۷ اکتبر ۱۹۴۱ امریه‌ای را امضا کرده بود که تسلیم شهرهای مسکو و لنینگراد را در صورت تقاضای تسلیم نپذیرد زیرا این دو شهر بایستی به‌نحو کامل تخریب شوند.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۱۳

۲۹. تجربه‌های دو جنگ عالمگیر، وجود تسلیحات پیشرفته به‌خصوص بمباران‌های جنگ دوم و امکان حدوث جنگ‌های دیگر مقدماتی بود برای انعقاد قرارداد کامل‌تری در زمینه حمایت از اموال فرهنگی. قرارداد ۱۹۵۴ لاهه زاده نیاز بشر به حفظ آثار تاریخی خود برای شناخته‌هویت خویشتن است.^{۵۹} قرارداد به‌خصوص بر این اندیشه استوار است که اموال فرهنگی به همه عالم تعلق دارد نه به یک کشور خاص. به‌عبارت دیگر، منافع این قرارداد در سطح بین‌المللی باید مورد بررسی قرار گیرد.^{۶۰}

قسمت دوم

۵۹. علی‌رغم اشکالات متعددی که بر این قرارداد وارد است باید در نظر داشت که انعقاد قرارداد در سطح بین‌المللی و با توجه به حقوق بین‌الملل که بیشتر متکی بر عرف بین‌المللی است چندان ساده نیست. لذا وجود هر نوع قراردادی که بتواند جامعه ملل را از تعرضات و تجاوزات حتی به شکل محدود مانع شود، ولو آنکه ضمانت اجرایی دقیق و قاطع در مورد اعمال قرارداد وجود نداشته است باشد، مغتنم است.

60. Jini Toman: Le mandat de l'unesco dans la mise en oeuvre de la convention de La Haye pour la protection des biens culturels, en cas de conflit armé, p. 3.

سند نهایی کنفرانس بین دول در مورد
حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع
مسلحانه ۱۹۵۴ لاهه^{۶۱} و قرارداد
حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع
مسلحانه

بند اول

سند نهایی کنفرانس ۱۹۵۴

۳۰. کنفرانسی به پیشنهاد تشکیلات
سازمان ملل متحد برای ترتیب، علم و
فرهنگ (یونسکو) برای تدوین و قبول
متون:

– يك قرارداد برای حمایت از اموال
فرهنگی،^{۶۲}

– يك آییننامه اجرایی در زمینه
همان قرارداد،^{۶۳}

– و يك پروتکل مربوطه قرارداد
برای حمایت از اموال فرهنگی،^{۶۴}

61. Acte final de la conference intergouvernementale sur la protection des biens culturels en cas de conflit armé, La Haye, 1954.

62. Convention pour la protection des biens culturels en cas de conflit armé.

63. Règlement d'exécution de la convention pour la protection des biens culturels en cas de conflit armé.

64. Protocole.

در لاهه به ابتکار دولت هلند از ۲۱ آوریل تا ۱۴ مه ۱۹۵۴ تشکیل و بر مبنای طرحهای داده شده مشورت انجام گردیده است که در این مشورت یونسکو مراقبت برانجام آنها را برعهده داشته و کنفرانس متون فوق را مورد تأیید قرار داده است.

۳۱. قرارداد، مقررات اجرایی و پروتکل به چهار زبان انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و روسی تدوین شده و منضم به سند نهایی کنفرانس است. وانگهی، کنفرانس سه قطعنامه را نیز تصویب کرده که منضم به سند نهایی است.^{۶۵}

بند دوم

قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه و آییننامه اجرایی آن

۶۵. قرارداد به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ تنظیم شده و تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۴ برای امضای کلیه دول دعوت شده به کنفرانس مفتوح بوده است. تنفیذ قرارداد منطبق با تشریفات قانون اساسی هر کشور است و اسناد تنفیذ نزد مدیرکل یونسکو قرار گرفته است. قرارداد سه ماه پس از آنکه پنج سند تنفیذ تسلیم شود اعتبار خواهد یافت و از تاریخ اعتبار برای الحاق کلیه دول باز خواهد بود.

۳۲. برخلاف قرارداد ۱۹۰۷ که حمایت از اموال فرهنگی به هنگام جنگ را مطرح می‌کرد، قرارداد ۱۹۵۴ با به‌کار بردن جمله «نزاع مسلحانه» نه تنها جنگ بلکه هر نوع برخورد مسلحانه‌ای را مدنظر قرار داده و از این جهت وسعت قلمرو شمول قرارداد بر هر نوع تعارض مسلحانه‌ای چشمگیر است.

الف - موضوع قرارداد

۳۳. موضوع قرارداد اصول عبارت است از حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه. این مسئله در مقدمه قرارداد به روشنی عنوان شده است:

«طرفهای قرارداد با توجه به اینکه در جریان آخرین تعارضات، اموال فرهنگی، با توسعه تکنیکهای جنگ دستخوش خسارات و لطمات شدیدی شده و هر لحظه‌ای بیش از پیش مورد تهدید این تعارضات مسلحانه است،^{۶۶}

با توجه به این اعتقاد که هر نوع تجاوز به اموال فرهنگی، صرفنظر از تعلق آن به هر ملتی، تجاوز به اموال

۶۶. مراجعه کنید به قرارداد ۱۹۵۴ لاهه، مقدمه، بند ۱.

فرهنگی جامعه بشری است، و اینکه هر
ملتی در فرهنگ جهانی سهمی دارد،^{۶۷}
با عنایت به این نکته که حفظ اموال
فرهنگی برای کلیه ملل عالم از اهمیت
فوق‌العاده‌ای برخوردار است و برای حفظ
اموال حمایت بین‌المللی ضروری است،^{۶۸}
با توجه به اینکه حمایت از این
اموال، چه در سطح ملی و چه در سطح
بین‌المللی، باید در زمان صلح انجام
گیرد تا مؤثر باشد،^{۶۹} کلیه اقدامات
ممکن را برای حمایت از اموال
بین‌المللی به عمل می‌آورد».^{۷۰}

۳۴. هر چند قرارداد لاهه اصولاً مبتنی
بر توافق کشورهای عضو بر اجرای مقرراتی
عام جهت حمایت از اموال فرهنگی است اما
امضای این قرارداد طرفین را از توافق
خاص ممنوع نمی‌کند. لذا قرارداد تحت
عنوان «توافقی خاص» چنین مقرر
می‌دارد:

۶۷. همان، بند ۲.

۶۸. همان، بند ۳.

۶۹. همان، بند ۵.

۷۰. در بند ۴ به‌عنوان راهنمای قرارداد ۱۹۵۴ به
قراردادهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و همچنین به پیمان ۱۵
آوریل ۱۹۳۵ و اشنگتن اشاره شده است.

«طرفه‌هاي قرارداد مي‌توانند موافقتنامه‌هاي خاصي را در مورد هر مسئله‌اي که به نظر آنها اقتضاي آن دارد که جداگانه تنظيم شود به عمل آورند».^{۷۱}

البته، اين توافق خاص نمي‌تواند به نحوي باشد که قلمرو قرارداد ۱۹۵۴ لاهه را محدود کند لذا:

«هيچگونه موافقتنامه خاصي که قلمرو حمايت تضمين شده به وسيله قرارداد ۱۹۵۴ يا در مورد اموال فرهنگي و کارکنان آن را تقليل دهد قابل انعقاد نيست».^{۷۲}

فلسفه اين تحديد روشن است، زيرا وقتي غالب کشورها قراردادهاي امضا مي‌کنند که نتيجه تلاش و کوشش آنها در طي سالها براي حل و فصل مسائل بين‌المللي است، اين توقع وجود دارد که قراردادهاي خاص نتواند قلمرو يك قرارداد بين‌المللي را محدود کند. در غير اين صورت، انعقاد هر نوع قرارداد بين‌المللي که علي‌الاصول

۷۱. قرارداد لاهه، بند ۱ ماده ۲۴.

۷۲. همان، بند ۲ ماده ۲۴.

خود فاقد ضمانت اجراي محكم و مطمئن است خالي از محتوا، بي‌فايده و عبث خواهد بود. تنها مسئله‌اي كه در اينجا مي‌توان آن را مورد ايراد قرار داد اين است كه چنانچه موافقتنامه خاصي بين دولتها تنظيم شود كه قرارداد ۱۹۵۴ لاهه را محدود كند يا اصولاً متناقض با مفاد آن باشد و يا آن را نفي كند، تكليف چيست؟ در متن قرارداد لاهه صرفاً به قابل انعقاد نبودن اينگونه قراردادها اشاره كرده و به عبارت ديگر آنها را فاقد اعتبار بين‌المللي دانسته است. بدين شكل، مي‌توان گفت يونسكو مي‌تواند رأساً ابتكار عمل را به دست مي‌گيرد و قرارداد ۱۹۵۴ را اعمال نمايد، اما در صورتي كه دولتها طبق قراردادي جداگانه اقدام كرده باشند ضمانت اجرايي براي اعمال آنها وجود ندارد.

ب - اموال فرهنگي

۳۵. قرارداد هرچند عبارت «اموال فرهنگي» را به كار مي‌برد اما آن را تعريف نمي‌كند و فقط به احصاي اين اموال مي‌پردازد. عدم تعريف نمي‌تواند اصولاً

مورد ایراد باشد زیرا با توجه به اینکه واژه «فرهنگ» خود تفسیرپذیری موسع دارد لذا اموال فرهنگی نیز چنین است. قرارداد در بندها ۱ تا ۴ ماده اول خود عنوان می‌کند:

«به‌موجب قرارداد حاضر اموال فرهنگی صرفنظر از ریشه یا مالکیت آنها عبارتند از:

اولاً، اموال منقول یا غیرمنقولي که واجد اهمیت فراوان برای میراث ملی کشورهاست نظیر بناهای معماری، هنری یا تاریخی، مذهبی یا غیرمذهبی، اماکن باستانی، مجموعه تأسیساتی که معرف نفعی تاریخی یا هنری است، آثار هنری، دست‌نوشته‌ها، کتابها یا دیگر اسناد واجد نفع هنری و تاریخی یا باستان‌شناسی، همچنان‌که مجموعه‌های علمی و کتابهای مهم، آرشیو و یا تولید مجدد اموال یاد شده.

ثانیاً، بناهایی که هدف و مقصد اصلی ایجاد آنها حفظ و یا در معرض نمایش گذاردن اموال منقولي است که در بند بالا بدان اشاره شده است نظیر موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، مخازن آرشیوها و

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۲۱

نیز محللهای امنی که به منظور در پناه قرار دادن اموال فرهنگی منقول مذکور در بند «اولاً» به هنگام نزاع مسلحانه آماده شده است.

ثالثاً، مراکزی که تعداد قابل ملاحظه‌ای از اموال جنگی را که در بندهای «اولاً» و «ثانیاً» بدانها اشاره شد دربرمی‌گیرند و به آنها «مراکز ابنیه و آثار» می‌گویند.

ج- روش حمایت از اموال فرهنگی

۳۶. قرارداد ۱۹۵۴ لاهه از دو روش جهت حمایت از اموال فرهنگی استفاده کرده است. روش اول مبتنی بر حمایت عام از این اموال و روش دوم مبتنی بر حمایت خاص از آنهاست.

۱. حمایت عام:

۳۷. حمایت عام اموال فرهنگی مبتنی بر صیانت این اموال و احترام نسبت بدانهاست.^{۷۳}

۳۸. قرارداد پیش‌بینی می‌کند که:

۷۳. همان، ماده ۲.

«طرفهاي قرارداد متعهد مي‌شوند در زمان صلح صيانت از اموال فرهنگي را که در سرزمين آنها قرار گرفته براي جلوگیری از نتايج قابل پيش‌بيني يك نزاع مسلحانه با وضع مقرراتي که مناسب تشخيص مي‌دهند برعهده بگيرند».^{۷۴}

این ماده در حقيقت هشداري است به تمامي کشورها که در يك نزاع مسلحانه غافلگیر نشوند و در زمان صلح صيانت از این اموال را با اتخاذ تدابير ضروري تأمين کنند. تشيخص وضع مقررات به عهده دولتي که اموال فرهنگي در سرزمين او وجود دارد گذاشته شده و این منطقي است، زیرا این دولت است که صاحب منافع فرهنگي خويش است هرچند این آثار به جامعه انساني تعلق داشته باشد.

۳۹. احترام به اموال فرهنگي را قرارداد به‌موجب بند ۱ ماده ۴ خود عنوان کرده و طرفهاي قرارداد را ملزم ساخته که این احترام را، خواه اموال در سرزمين آنها قرار گرفته باشد يا در سرزمين يکي ديگر از طرفين، مرعي دارند

۷۴. همان، ماده ۳.

بدین‌نحو که از این اموال استفاده نکنند و آن را در معرض تضییع و تفریط به‌هنگام نزاع مسلحانه قرار ندهند و از هرگونه خصومتی در قبال آن خودداری کنند.

۴۰. تخلف از مسائلی که در بند ۱ ماده ۴ ذکر شده هرچند ضمانت اجرایی ندارد اما ممنوع شده است.^{۷۰} مع‌هذا، اگر يك «ضرورت نظامی» ایجاب کند و به شرط آنکه این ضرورت دارای ویژگی آمرانه باشد تخلف از مقررات ماده ۴ اجازه داده شده است.

۴۱. وانگهی، طرفهای قرارداد متعهد می‌شوند که اقدامات لازم در جهت ممنوعیت و پیشگیری و هر نوع اقدام دیگر جهت جلوگیری از سرقت، غارت و ربایش اموال فرهنگی را به هر نحوی که اجرا شود بنمایند، همچنان‌که هر عمل مخربی که در قبال اموال فرهنگی انجام شود. همچنین، قرارداد هر نوع درخواست برای مطالبه فرهنگی منقول روی سرزمین یکی دیگر از طرفهای قرارداد را ممنوع می‌سازد.^{۷۱}

۷۵. بند ۲ ماده ۴.

۷۶. بند ۳ ماده ۴.

۴۲. مسئله تلافی یا اعمال انتقامی به ویژه در مورد اموال فرهنگی که قبلاً نیز در مورد آن بحث شده^{۷۷} در قرارداد ۱۹۵۴ لاهه به‌نحو روشنی ترسیم گردیده است. طبق این قرارداد «طرفها از هرگونه اقدام مبتنی بر تلافی در قبال اموال فرهنگی ممنوع شده‌اند».^{۷۸}

۴۳. جهت جلوگیری از عدم اجرای ماده ۴، قرارداد پیش‌بینی می‌کند:

«یکی از طرفهای قرارداد نمی‌تواند از تعهدات مندرج در ماده حاضر [مقصود ماده ۴ است] در مقابل طرف دیگر قرارداد با این توجیه که طرف اخیر مقررات صیانت مندرج در ماده ۳ را اجرا نکرده است شانه خالی کند».

حالت اشغال:

۴۴. در صورتی‌که تمام یا قسمتی از سرزمین یکی از طرفهای قرارداد توسط دیگری اشغال شود، تصرف‌کننده باید حتی‌الامکان جهت تضمین صیانت و حفظ اموال فرهنگی کشور اشغال شده از کوشش‌هایی که

۷۷. مراجعه کنید به شماره‌های ۲۰ تا ۲۳ این مقاله.

۷۸. بند ۴ ماده ۴.

نیروهای ملی صالح سرزمین اشغال شده
به عمل می‌آوردند حمایت کند.^{۷۹}

۴۵. ممکن است جهت حفظ اموال فرهنگی
مداخله فوری نیروهای اشغال‌کننده ضروری
باشد که، در این صورت، نیروی اخیر با
توجه به شرایط زیر حفظ این اموال را
برعهده می‌گیرد:

اولاً، اموال فرهنگی در سرزمین اشغال
شده وجود داشته باشد.

ثانیاً، ضرورت فوریت توسط قدرت
اشغالگر تشخیص داده شده باشد.

ثالثاً، حدوث خسارت به واسطه عملیات
نظامی باشد.

رابعاً، مقامات محلی قدرت و توانایی
حفظ و نگهداری این اموال را نداشته
باشند.

در صورت وجود شرایط بالا، قدرت
اشغال‌کننده با همکاری محدود با نیروهای
محلی اقدامات احتیاطی جهت حفظ ضروری‌ترین
این اموال را برعهده می‌گیرد.^{۸۰}

۲. حمایت خاص

۷۹. بند ۱ ماده ۵.

۸۰. بند ۲ ماده ۵.

۴۶. علاوه بر حمایت عام از اموال فرهنگی که تمامی آنها را در برمیگیرد اهمیت فوق العاده برخی از این اموال چنان است که وجود مقرراتی خاص جهت حمایت از آنها ضرورت دارد. بی تردید، بناهای گرانبه‌تری هستند که در دنیا نادرند یا اشیاء عتیقه‌ای که در موزه‌ها وجود دارند کمیابند. انهدام تابلوهای نفیس نقاشی و مجسمه‌های باشکوه باستانی، مساجد منحصر به فرد، کتابخانه‌های غنی، کلیساهای نمونه، معابدی به یادگار مانده از دوران کهن که هر یک قصه‌گوی تاریخ بشری است ناگوار است. بدین لحاظ و جهت حفظ میراث فرهنگی بشر حمایت خاص از آنها مسلم می‌نماید.

قرارداد لاهه به حمایت خاص از این اموال توجه فراوان کرده و با شروطی این حمایت را پذیرفته است.^{۸۱}

۴۷. بند اول ماده ۸ تصریح می‌کند:

«تعداد محدودی از محلهای امن به منظور پناه دادن اموال فرهنگی منقول، مراکز ساختمانها و دیگر اموال فرهنگی غیرمنقولی که از اهمیت فوق العاده

۸۱. فصل دوم قرارداد: در حمایت خاص، ماده ۸.

برخوردار است، به‌هنگام نزاع مسلحانه می‌توان تحت حمایت خاص قرار گیرد مشروط بر آنکه:

اولاً، این اموال در مسافتی کافی از یک مرکز صنعتی یا هر مرکز نظامی مهمی که نقطه حساسی تلقی شود قرار داشته باشد، به‌عنوان مثال یک فرودگاه، مرکز پخش رادیویی، مؤسسه‌ای که برای دفاع ملی ایجاد شده، بند یا ایستگاه مهم راه آهن یا طرق ارتباطات. ثانیاً، از این مراکز به منظورهای نظامی استفاده نشود».

۴۸. یک محل امن برای حفظ اموال فرهنگی صرفنظر از اینکه در کجا قرار گرفته باشد اگر به‌نحوی ساخته شده باشد که بمباران یا هرگونه حمله احتمالی نتواند بدان آسیب وارد کند می‌تواند زیر چتر حمایت خاص قرار گیرد.^{۸۲}

۴۹. یک ساختمان به‌عنوان «مرکزی با اهداف نظامی» ملحوظ خواهد شد اگر برای جابجایی افراد یا مواد نظامی، هرچند به‌طور موقت، به‌کار رفته باشد یا در آن

۸۲. بند ۲ ماده ۸.

فعالیتی که رابطه مستقیم با عملیات نظامی داشته باشد در جریان باشد.^{۸۳}

۵۰. البته، چنانچه مراقبت از یکی از اموال فرهنگی که در بند ۱ ماده ۸ ذکر شده است توسط نگهبانان مسلحی که بدین منظور تعلیم یافته‌اند به عمل آید یا نیروهای پلیس به دلیل تکلیف بر حفظ نظم در نزدیکی این اموال مستقر شده باشند، این مقدار از عملیات را نمی‌توان استفاده به منظور نظامی تلقی کرد.^{۸۴}

۵۱. مع‌هذا، چنانچه یکی از اموال فرهنگی یاد شد در بند ۱ ماده ۸ نزدیک یکی از تأسیسات نظامی در مفهوم تبصره اول بند ۱ واقع شده باشد می‌تواند زیرپوشش حمایت خاص قرار گیرد مشروط بر آنکه طرف دیگر قرارداد که درخواست این حمایت را می‌کند متعهد گردد که در زمان نزاع مسلحانه هیچ‌گونه استفاده‌ای از تأسیسات مذکور به عمل نیآورد و به‌خصوص اگر موضوع عبارت از یک بندر، ایستگاه و راه‌آهن یا یک فرودگاه باشد هرگونه نقل و انتقالی را از آن دور

۸۳. بند ۳ ماده ۸.

۸۴. بند ۴ ماده ۸.

کند. این دور ساختن نقل و انتقال باید در زمان صلح انجام پذیرفته باشد.^{۸۵}

ثبت اموال فرهنگی زیر چتر حمایت خاص:

۵۲. اموال فرهنگی که زیر چتر حمایت خاص قرار می‌گیرد اولاً باید به ثبت رسیده باشد، ثانیاً از مصونیت حمایت خاص بهره ببرد.

۵۳. اموال باید در «دفتر ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی تحت حمایت خاص» ثبت شود.^{۸۶} مقررات اجرایی قرارداد ۱۹۵۴ شرایط این دفتر ثبت را مشخص کرده است.^{۸۷} که به‌موجب آن مدیرکل یونسکو مسئولیت را برعهده می‌گیرد. دفتر ثبت به بخش‌هایی تقسیم شده و هر بخش به سه قسمت به ترتیب تقسیم گردیده است: محل‌های امن، مراکز ساختمانها و دیگر اموال فرهنگی غیرمنقول.

هریک از طرف‌های قرارداد می‌تواند از مدیرکل یونسکو درخواست ثبت برخی از محل‌های امن، مراکز ساختمانها و یا دیگر اموال غیرمنقول را که روی سرزمین طرف

۸۵. بند ۵ ماده ۸.

۸۶. بند ۶ ماده ۸.

۸۷. آیین‌نامه اجرایی قرارداد، ماده ۱۲.

دیگر قرار گرفته است در دفتر ثبت بنماید.^{۸۸} امکان دارد سرزمین یکی از طرفهای قرارداد در اشغال طرف دیگر باشد که، در این صورت، نیروی اشغالکننده اختیار درخواست ثبت را دارد.^{۸۹}

به هر حال، مدیرکل یونسکو رونوشتی از درخواستهای ثبت را برای هر یک از طرفهای قرارداد ارسال می‌دارد.^{۹۰}

۵۴. در صورتی که به ثبت یکی از اموال فرهنگی از طرف یکی از طرفهای قرارداد اعتراضی بشود، مقررات اجرایی معمول می‌دارد که این اعتراض یا ارسال نامه‌ای به مدیرکل یونسکو به عمل می‌آید. این نامه باید در یک مهلت چهار ماهه از تاریخی که وی رونوشت درخواست ثبت را فرستاده است ارسال شود.^{۹۱}

البته، هر نوع اعتراضی قابل قبول نیست و دلایل موجهی باید جهت این اعتراض وجود داشته باشد. این دلایل عبارت است از:

۸۸. همان، بند ۱ ماده ۱۳.

۸۹. همان، بند ۲ ماده ۱۳.

۹۰. همان، بند ۳ ماده ۱۳.

۹۱. همان، بند ۱ ماده ۱۴.

– اولاً مال مورد اعتراض يك مال فرهنگي نباشد؛

– ثانياً شرايط مندرج در ماده ۸ قرار جمع نشده باشد.

۵۵. مديرکل بدون فوت وقت رونوشتي از نامه اعتراض را جهت طرفين ارسال مي‌دارد. در صورت اقتضا جلب نظر کميته بين‌المللي براي اماکن، مراکز هنري و تاريخي و اماکن حفاريهاي باستاني را مي‌نمايد. وانگهي، اگر مفيد تشخيص دهد جلب‌نظر هر سازمان يا شخصيت واجد صلاحيتي را نیز خواهد نمود.^{۹۲}

مقررات داوري:

۵۶. چنانچه مديرکل يونسکو ظرف مدت شش ماه از تاريخي‌که نامه اعتراض را دريافت کرده است از سوي معترض ابلاغيه‌اي برمبناي اعتراض دريافت نکند، طرف ديگر قرارداد که درخواست ثبت اموال فرهنگي

^{۹۲}. همان، بند ۳ ماده ۱۴.

خود را کرده است می‌تواند از آیین داوری استفاده کند.^{۹۳}

۵۷. درخواست داوری باید حداکثر یک سال پس از تاریخی که مدیرکل نامه اعتراضیه را دریافت کرده است تنظیم شود. هر یک از طرفها یک داور تعیین می‌کنند اما اگر معترضان به درخواست ثبت بیش از یک طرف باشند مجموعاً یک داور معین می‌کنند. دو داور انتخاب شده یک سرداور از روی فهرست اسامی بین‌المللی^{۹۴} برمی‌گزینند. در صورت عدم توافق، از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست تعیین یک سرداور می‌کنند که نامبرده می‌تواند خارج از فهرست اسامی بین‌المللی سرداور را انتخاب نماید. دادگاه داوری که بدین‌شکل تعیین می‌شود تشریفات رسیدگی را رأساً اتخاذ می‌کند و تصمیمات متخذه نیز قابل تجدیدنظر نیست.^{۹۵}

۵۸. چنانچه هر یک از طرفهای قرارداد که در جریان اعتراضی قرار گرفت اعلام کند که تمایلی به اجرای تشریفات داوری مذکور در فوق ندارد، در این

۹۳. همان، بند ۶ ماده ۱۴.

۹۴. پیش‌بینی شده در ماده اول آیین‌نامه.

۹۵. آیین‌نامه اجرایی قرارداد، بند ۷ ماده ۱۴.

صورت، اعتراض به درخواست ثبت توسط مدیرکل به منعقدکنندگان قرارداد ابلاغ می‌شود. رأی می‌تواند به وسیله مکاتبه انجام گیرد مگر آنکه مدیرکل حضور طرفهای قرارداد را برای اخذ رأی ضروری تشخیص دهد. چنانچه رأی با مکاتبه انجام گیرد مدیرکل از رأی‌دهندگان درخواست می‌کند که در يك مهلت شش ماه از تاریخ دریافت دعوتنامه رأی خود را بدهند و آن را در يك پاکت لاک و مهر شده ارسال دارند. در صورتی‌که دو سوم رأی‌دهندگان اعتراض را وارد تشخیص دهند این اعتراض مورد تأیید قرار می‌گیرد.^{۹۶} این مسئله، با توجه به اینکه تأخیر جلسات برای اخذ رأی که معمولاً مقتضیان بین‌المللی و روابط بین دول آن را می‌پذیرد، از جهات مختلف قابل دفاع است هرچند امکان دارد مجال بحث شفاهی و ورود در مسائل و تجزیه و تحلیل آنها بدین شکل ممکن نگردد.

**مصونیت و رفع مصونیت اموالی که زیر چتر
حمایت خاص قرار دارد:**

۹۶. همان، بند ۸ ماده ۱۴.

۵۹. اموال فرهنگی که زیر چتر حمایت خاص قرار دارد از مصونیت برخوردار است و این مصونیت را طرفهای قرارداد به مجرد ثبت در دفتر بین‌المللی تعیین می‌کنند، بدین معنی که هر عمل خصومت‌آمیز در قبال این اموال یا استفاده از آنها را به‌منظورهای نظامی ممنوع می‌سازند^{۹۷} مگر آنکه اموال مشمول بند ۵ ماده ۸ باشد.^{۹۸}

۶۰. تجاوز از مقررات بالا توسط یکی از طرفین قرارداد، طرف دیگر را تا هنگامی که این تجاوز ادامه دارد از تعهدات تضمین یاد شده بری می‌کند.^{۹۹} در خارج از این مورد، رفع مصونیت ممکن نیست مگر در موارد استثنایی ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیر و تا مادامی که این ضرورت وجود دارد. تصمیم به رفع مصونیت در صورت اجازه مقتضیات قبلاً و به‌طور کافی به‌طرف مقابل ابلاغ می‌شود.^{۱۰۰}

۶۱. ماده ۱۴ قرارداد نوع دیگری از مصونیت را پیش‌بینی می‌کند که عبارت از

۹۷. همان، ماده ۹.

۹۸. رك. شماره ۵۱ این مقاله.

۹۹. قرارداد لاهه، بند ۱ ماده ۱۱.

۱۰۰. همان، بند ۲ ماده ۱۱.

مصونیت توقیف، تصرف و اخذ مال فرهنگی
است. این مصونیت در دو مورد پیش‌بینی
شده است: یکی هنگام حمل اموال فرهنگی
که زیر چتر حمایت خاص قرار دارد، و
دیگر هنگام حمل در موارد ضروری.

۶۲. در موردی که حمل اموال فرهنگی
زیر چتر حمایت خاص قرار دارد این حمل
تحت مراقبت با خصیصه بین‌المللی که در
مقررات اجرایی پیش‌بینی شده است به‌عمل
می‌آید؛ وانگهی، باید مجهز به علامت مشخص
معرف این اموال باشد. ۱۱ ماده ۱۷ مقررات
اجرایی قرارداد تشریفات اخذ این مصونیت
را مشخص کرده است. به‌موجب بند ۱ ماده
فوق درخواست حمل تحت مراقبت با خصیصه
بین‌المللی مندرج در ماده ۱۲ قرارداد به
کمیسر عمومی اموال فرهنگی تسلیم می‌شود
که باید متضمن دلایل حمل و نقل، تعیین
محل فعلی و محل آتی اموال، وسیله و
مسیر حمل و نقل و دیگر اطلاعات مفید
باشد.

کمیسر اموال فرهنگی پس از توجیه
درخواست و اخذ نظر مشورتی نیروهای
حمایت‌کننده، طرفها را از قبولی درخواست

۱۰۱. همان، ماده ۱۲.

آگاه و يك يا چند بازرس نيز در معين اموال تا مقصد تعيين خواهد كرد.^{۱۰۲}

۶۳. حمل در موارد فوري را ماده ۱۳ قرارداد پيشبيني کرده است. اين حمل در موردی است که ماده ۱۲ که قبلاً بدان اشاره کردیم مُرعي نباشد. در اين مورد اگر يکي از طرفهاي قرارداد تشخيص دهد که امنيت برخي از اموال فرهنگي انتقال آنها را ايجاب مي‌کند و فوريته در قضيه وجود دارد که نمي‌توان تشريفات ماده ۱۲ را رعايت کرد، به‌خصوص اگر اين فوريته در شروع نزاع مسلحانه باشد، حمل با علامت مشخصه مذکور در اين قرارداد^{۱۰۳} به‌عمل مي‌آيد، مگر اينکه حمل مورد درخواست مصونيت مندرج در ماده ۱۲^{۱۰۴} بوده و درخواست نيز رد نشده باشد.^{۱۰۵} طرفهاي قرارداد در حد امکان احتياطات ضروري در جهت حمل اموال فرهنگي ذکر شده در اين ماده را براي حمايت از اين اموال در

۱۰۲. مراجعه کنيد به مقررات اجرايي، بندهاي ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۷.

۱۰۳. مشخصات ويژه اين علامت در ماده ۱۶ ذکر شده است.

۱۰۴. ر.ک. شماره ۶۲ اين مقاله.

۱۰۵. قرارداد لاهه، بند ۱ ماده ۱۳.

قبال هر عمل خصومت‌آمیز به عمل
می‌آورند. ۱۰۶

علامت‌گذاری و کنترل:

۶۴. اموال فرهنگی که زیر چتر حمایت
خاص قرار دارد باید مجهز به علامت
مشخصه‌ای باشد. مشخصات این علامت را ماده
۱۶ قرارداد معین کرده و موارد استفاده
از علامت را نیز ماده ۱۷ قرارداد احصا
نموده است.

۶۵. همچنان‌که اموال فرهنگی به‌هنگام
نزاع مسلحانه باید مجهز به علامت مشخصه
قرارداد باشد باید همیشه جهت کنترل با
خصیصه بین‌المللی در اختیار و آزاد
باشد. ۱۰۷

محل قرار دادن این علامت مشخصه و
مشهود بودن آن به‌نظر مقامات صلاحیت‌دار
هر یک از طرفهای قرارداد واگذار شده ۱۰۸
و مع‌هذا مقررات اجرایی جزئیات را نیز
از نظر دور نداشته است. ۱۰۹

۱۰۶. همان، بند ۲ ماده ۱۳.

۱۰۷. همان، ماده ۱۰.

۱۰۸. همان، بند ۱ ماده ۲۰.

۱۰۹. همان، بند ۲ ماده ۲۰.

۶۶. گفتنی است در مواردی که اموال فرهنگی زیر چتر حمایت خاص قرار ندارد نیز می‌تواند علامت‌گذاری شود. این موضوع را ماده ۶ قرارداد با صراحت عنوان کرده است:

«منطبق با مقررات ماده ۱۶، اموال فرهنگی می‌تواند مجهز به علامت مشخصه‌ای باشد که شناسایی آنها را ساده نماید».

تفاوت این ماده با ماده ۱۰ که علامت‌گذاری اموال فرهنگی زیر چتر حمایت خاص را می‌پذیرد در جباری بودن این علامت‌گذاری در ماده ۱۰ و اختیاری بودن آن در ماده ۶ است.

د - قلمرو اجرایی و اجرای قرارداد

۶۷. فصل شش قرارداد به قلمرو اجرایی و فصل هفتم آن به اجرای قرارداد اختصاص پیدا کرده است.

۱. قلمرو اجرایی

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۳۹

۶۸. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد،^{۱۱۰} قرارداد لاهه صرفاً نظر به حالت جنگ ندارد و هرگونه نزاع مسلحانه‌ای را دربرمی‌گیرد. وانگهی، اعلان جنگ یا نزاع مسلحانه نیز ضروری نیست و نمی‌توان به استناد عدم اعلان از سوی یکی از طرفها قرارداد را نادیده گرفت. بند ۱ ماده ۱۸ قرارداد می‌گوید:

«صرفنظر از مقرراتی که باید در زمان صلح اعتبار پیدا کند، قرارداد حاضر در زمان جنگ اعلان شده یا هر تعارض مسلحانه‌ای که بین دو یا چند طرف قرارداد ایجاد شود، حتی اگر حالت جنگ به وسیله یک یا چند طرف از طرفهای قرارداد شناخته نشده باشد، اجرا می‌شود».

قرارداد همچنین در کلیه موارد اشغال تمام یا قسمتی از سرزمین یکی از طرفهای قرارداد، حتی اگر این اشغال با هیچ مقاومت نظامی برخورد نداشته باشد، اجرا می‌گردد.^{۱۱۱}

۱۱۰. رك. شماره ۳۲ این مقاله.

۱۱۱. قرارداد لاهه، بند ۲ ماده ۱۸.

۶۹. بند ۳ ماده ۱۸ قرارداد موردي را پیش‌بینی می‌کند که یکی از طرفه‌های نزاع مسلحانه عضو قرارداد نیست. در این مورد، طرفه‌هایی که وابسته به قرارداد هستند به وسیله قرارداد با طرف غیروابسته در ارتباط متقابل قرار دارند. وانگهی، آنها با طرف غیروابسته اگر اعلام کند که مقررات قرارداد را می‌پذیرد و مادام‌که آن اجرا می‌کند در ارتباط هستند.

این بند نظر بر این دارد که طرف خارج از قرارداد را در حد امکان با مقررات قرارداد وابسته نگه دارد و نحوه رفتار با این طرف طوری نباشد که او را علی‌الاصول از اجرای حتی جزئی موارد پیش‌بینی شده در قرارداد باز دارد. به عبارت دیگر، قرارداد نخواسته است در را مطلقاً به روی طرفه‌های غیروابسته ببندد و از این طریق هرگونه خسارت و لطمه به اموال فرهنگی در چارچوب لجاجت و خودسری طرفه‌های غیروابسته به قرارداد را تشدید کند.

۲. اجرای قرارداد

۷۰. اجرای قرارداد که در فصل هفتم قرارداد پیش‌بینی شده است به مسائل مختلف اجرایی اشاره می‌کند که برخی در ارتباط با شکل اجرا قرار دارد و برخی در رابطه با ماهیت اجرا مطرح شده است. به هر حال، طبق پیش‌بینی خود قرار داد، کیفیات اجرایی را آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌کند.^{۱۱۲} اما صرف‌نظر از آیین‌نامه، مواد مختلف فصل هفتم - همان‌طور که عنوان شد - به مسائل شکلی و ماهوی اجرا توجه دارد.

۲-۱- مسائل شکلی

۷۱. در مورد مسائل شکلی می‌توان به مواد زیر اشاره کرده:

- انتشار قرارداد، ماده ۱۱۳۲۵
- ترجمه و گزارش، ماده ۱۱۴۲۶

۱۱۲. کیفیات اجرای قرارداد لاهه را آیین‌نامه اجرایی که جزء لاینفک قرارداد است مشخص می‌کند.

۱۱۳. تعهد طرفها بر توزیع وسیع قرارداد چه در زمان صلح و چه به هنگام نزاع مسلحانه، و گنجاندن قرارداد در برنامه‌های آموزشی به‌خصوصی آموزش نظامی.

۱۱۴. ترجمه رسمی قرارداد و آیین‌نامه اجرایی با مداخله مدیر کل یونسکو و نیز ارائه گزارش حداقل هر چهار سل یک بار از موقعیت اجرای قرارداد در کشورهای عضو توسط اعضا به مدیرکل.

- زبان، ماده ۱۱۰۲۹
- امضاء، ۱۱۶ تنفیذ ۱۱۷ و الحاق ۱۱۸ به قرارداد، مواد ۳۰، ۳۱ و ۳۲
- اعتبار قرارداد، ۱۱۹ ماده ۳۳
- تشکیل جلسات، ۱۲۰ ماده ۲۷
- انصراف قرارداد، ۱۲۱ ماده ۳۷

۱۱۵. چهار متن معتبر به زبانهای انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و روسی است که از اعتبار واحد برخوردار است.

۱۱۶. قرارداد به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ تنظیم شده و تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۴ برای امضای کلیه دولتهای دعوی شده به کنفرانس که از ۲۱ آوریل ۱۹۵۴ تا ۱۴ مه ۱۹۵۴ در لاهه اجتماع کرده بودند مفتوح بوده است.

۱۱۷. جهت تنفیذ دولتهای امضاکننده حسب قوانین اساسی هر دولت.

۱۱۸. از تاریخ اعتبار، قرارداد برای الحاق کلیه دولتهای دعوی شده به کنفرانس لاهه و همچنین برای کلیه دولتهایی که توسط شورای اجرایی یونسکو دعوت به الحاق شده اند مفتوح خواهد بود.

۱۱۹. سه ماه پس از تنفیذ پنج عضو و سه ماه پس از آنکه هر عضو قرارداد آن را تنفیذ کند.

۱۲۰. مدیرکل یونسکو با تأیید شورای اجرایی جلساتی از نمایندگان طرفهای قرارداد تشکیل می‌دهد. مدیرکل موظف است در صورتی که حداقل یک پنجم از منعقدکنندگان قرارداد درخواستکننده جلسات را تشکیل دهد. این جلسات به منظور طرح مسائل مربوط به اجرای قرارداد و آیین‌نامه اجرایی و تدوین سفارشها در این زمینه‌هاست. جلسات همچنین می‌تواند مبتنی بر بررسی و تجدیدنظر قرارداد و آیین‌نامه اجرایی باشد مشروط بر آنکه اکثریت اعضا حاضر باشند و منطبق با مقررات ماده ۳۹ عمل کنند. این مقررات و ماده ۳۹ در مسائل ماهوی بحث شده است (رجوع کنید به شماره ۷۳ این مقاله).

۱۲۱. هر یک از طرفهای قرارداد اختیار انصراف از قرارداد را با سند کتبی که به مدیرکل یونسکو تسلیم می‌کند دارد.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۴۳

- ابلاغ قرارداد، ۱۲۲ ماده ۳۸
- اجرائی قطعی قرارداد، ۱۲۳ ماده ۳۴
- توسعه سرزمینی قرارداد، ۱۲۴ ماده

۳۵

- ارتباط قرارداد با قراردادهای

دیگر، ۱۲۰

۱۲۲. مدیرکل یونسکو دولتهای موردنظر در مواد ۳۰ و ۳۲ و نیز تشکیلات سازمان ملل متحد را از تسلیم اسناد تنظیم، الحاق یا قبول مواد ۳۱، ۳۲ و ۳۹ آگاه خواهد کرد و همچنین از ابلاغها و انصرافهایی که در مواد ۳۵، ۳۷ و ۳۹ پیشبینی شده است.

۱۲۳. دولتهای عضو قرارداد از تاریخ اعتبار، کلیه اقدامات ضروری برای اجرای قطعی قرارداد را در یک مهلت شش ماهه معمول میدارند. این مهلت شش ماهه برای دولتهایی که اسناد تنفیذ یا الحاق خود را بعد از تاریخ اعتبار قرارداد تسلیم میکنند شش ماهه از تاریخ تسلیم این اسناد خواهد بود.

۱۲۴. هر یک از طرفهای قرارداد به هنگام تنفیذ یا الحاق یا هر موقع پس از آن با ابلاغیه‌ای که جهت مدیرکل یونسکو ارسال میدارد میتواند اعلام کند که قرارداد حاضر به کلیه یا قسمتی از سرزمینهایی که تضمین بین‌المللی آن را برعهده دارد تعمیم یابد. این ابلاغیه سه ماه پس از تاریخ دریافت آن معتبر خواهد بود.

۱۲۵. نظر به اینکه بین دولتهای عضو قرارداد ۱۹۵۴ لاهه جهت حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه قراردادهای دیگری نیز امضا شده بود، ماده ۳۶ قرارداد ۱۹۵۴ نسبت به آن موارد چنین تصمیم گرفته است: قدرتهایی که در رابطه با قرارداد لاهه مربوطه قوانین و سنتهای جنگ زمینی هستند و همچنین موضوع بمباران به وسیله نیروهای دریایی در زمان جنگ باشند اعم از اینکه قرارداد مربوط به ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ و یا ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ باشد عضو قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی هستند. قرارداد اخیر تکمیل‌کننده قراردادهای قبلی و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی است. در مورد پیمان

– ثبت قرارداد، ۱۲۶ ماده ۴۰.

۲-۲- مسائل ماهوي

۷۲. اما صرفنظر از مسائلي كه در ماهيت اجراي قرارداد بعد از شروع نزاع مسلحانه بايد بدانها توجه كرد دو مسئله تجديدنظر در قرارداد و ضمانت اجراي آن است.

تجدیدنظر در قرارداد و آييننامه اجراي

۷۳. هر يك از طرفهائي قرارداد مي‌تواند اصلاحاتي را در مورد قرارداد و آييننامه اجرايي آن پيشنهاد كند. هرگونه اصلاحي در اين زمينه‌ها به مديركل يونسكو اعلام خواهد شد و او متن مورد پيشنهاد را به كلييه منعقدكنندگان قرارداد ابلاغ مي‌كند و از آنها مي‌خواهد

۱۵ آوريل ۱۹۳۵ و اشنگتن براي حمايت از تاسيسات هنري و علمي (Pacte Roerich)، قرارداد حمايت از اموال فرهنگي ۱۹۵۴ تکمیل‌کننده آن است.

۱۲۶. منطبق با ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد قرارداد حاضر با درخواست مديركل يونسكو در دبیرخانه سازمان ملل ثبت مي‌گردد.

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۲۴۵

که مسائل زیر را در مدت چهار ماه به اطلاع او برسانند: ۱۲۷

الف. آیا مایلند که کنفرانسی برای اصلاحات پیش‌بینی شده تشکیل شود؛ ۱۲۸

ب - با آنکه موافقند بدون انجام کنفرانسی اصلاحات را بپذیرند؛ ۱۲۹

ج - یا آنکه بدون انجام کنفرانسی اصلاحات را رد کنند. ۱۳۰

مدیرکل پس از اخذ پاسخها آنها را به طرفهای قرارداد منتقل خواهد کرد. ۱۳۱

چنانچه تمامی طرفهای قرارداد در مهلت مقرر (چهار ماه مذکور در بند ۱ ماده ۳۹) دیدگاههای خود را منطبق با قسمت «ب» بند ۱ ماده ۳۹ به مدیرکل اعلام نمایند، بدین معنی که اصلاحات پیشنهادی را بدون انجام کنفرانسی می‌پذیرند، مدیرکل منطبق با ماده ۳۸ آنها را ابلاغ

۱۲۷. قرارداد، بند ۱ ماده ۳۹.

۱۲۸. همان، قسمت الف.

۱۲۹. همان، قسمت ب.

۱۳۰. همان، قسمت ج.

۱۳۱. همان، بند ۲.

می‌کند. ۱۳۲ اصلاحات یاد شده پس از نود روز از تاریخ این ابلاغ معتبر خواهد بود. ۱۳۳ چنانچه درخواست کنفرانسی مبنی بر مطالعه اصلاحات پیشنهادی توسط بیشتر از یک سوم منعقدکنندگان قرارداد به عمل آید، مدیرکل این کنفرانس را تشکیل خواهد داد. ۱۳۴

اصلاحات قرارداد یا آیین‌نامه اجرایی آن از تاریخی اعتبار پیدا می‌کند که توسط کلیه طرفهای قرارداد حاضر در کنفرانس به اتفاق آرا تصویب شده و توسط هر یک از طرفهای قرارداد مورد قبول قرار گرفته باشد. ۱۳۵

قبول اصلاحات قرارداد یا آیین‌نامه اجرایی آن توسط کنفرانسی که در بندهای ۴ و ۵ ماده ۳۹ بدان اشاره شده است با تسلیم سند رسمی این قبولی به مدیرکل یونسکو معتبر خواهد بود. ۱۳۶

بعد از اعتبار اصلاحات در مورد قرارداد یا در زمینه آیین‌نامه اجرایی

۱۳۲. این ابلاغ، هم به دولتها خواهد بود و هم به سازمان ملل.

۱۳۳. قرارداد، بند ۳ ماده ۳۹.

۱۳۴. همان، بند ۴.

۱۳۵. همان، بند ۵.

۱۳۶. همان، بند ۶.

آن فقط همین متن برای تنفیذ یا الحاق
باز خواهد بود.^{۱۳۷}
با آنکه قرارداد در مورد رد اصلاحات
پیشبینی ساکت است اما بدیهی است رد هر
اصلاحی موجب عدم تجدید آن با شرایط
مندرج در قرارداد نخواهد بود.

ضمانت اجرا

۷۴. بی‌تردید، آنچه که در هر
قرارداد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار
است اجرای قرارداد و در صورت عدم اجرا
وجود ضمانت‌های اجرایی است. این مسئله
نه تنها در زمینه حقوق خصوصی و
قراردادهای متکی به این حقوق است بلکه
در زمینه حقوق بین‌الملل و قراردادهای
تنظیمی بین دول نیز صدق می‌کند.
متأسفانه به دلایل متعدد ضمانت‌های
مندرج در قراردادهای بین‌المللی از چنان
استحکامی برخوردار نیست که
امیدآورکننده باشد و اغلب قراردادها

۱۳۷. همان، بند ۷.

جهت ضمانت اجرا به قوانین داخلی ارجاع داده است.^{۱۳۸}

۷۵. قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی نیز از قاعده بالا دور نشده است. قرارداد دو نوع ضمانت برای اجرا در نظر گرفته است: یکی انتظامی و دیگری جزایی، و هر دو ضمانت در چارچوب قوانین داخلی است. ماده ۲۸ قرارداد تصریح می‌کند:

«طرفهای قرارداد متعهد می‌شوند که در چارچوب سیستم‌های حقوق جزایی خود کلیه مقررات ضروری را به منظور کشف و اجرای ضمانتهای جزایی یا انتظامی در مورد اشخاصی که با هر ملیتی جرمی نسبت به قرارداد حاضر به عمل آورده‌اند یا امر به اجرای آن داده‌اند معمول دارند».

لذا ضروری است در این موارد به قانون داخلی هر کشوری مراجعه و جرایم و مجازاتهای مندرج در آن را بررسی کرد.

۱۳۸. در جنگ دوم جهانی علی‌رغم تشکیل یک دادگاه بین‌المللی، غیر از جنایتکاران مهم جنگ، محاکمه بقیه به کشورهایی که جرم در آنها اتفاق افتاده بود ارجاع شد.

۷۶. در ایران قوانین جزایی ما نسبت به کیفر جرایم مربوط به اموال فرهنگی چندان دقیق و حساس نیست. رویه های قضایی مشخصی نیز در این زمینه وجود ندارد. به خصوص اگر مسئله تخریب یا انهدام میراث فرهنگی توسط يك كشور خارجي در میان باشد با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی و عدم امکان دسترسی به تخریب کنندگان و منهدم کنندگان این آثار و با توجه به سلاح های جدید که از راه دور با موشک یا بمباران این گونه منابع فرهنگی و ملی در معرض نابودی قرار می گیرند، تعقیب و مجازات مباشران و یا شرکای این جرایم بسیار بعید است. در شرایط کنونی، به فرض دسترسی به مباشران و شرکا یا معاونان جرایم علیه آثار ملی، می توان آنها را به عنوان تخریب تحت تعقیب قرار داد^{۱۳۹} و یا از مقررات جزایی مربوط به حفظ آثار ملی استفاده کرد.^{۱۴۰}

۱۳۹. رك. شماره ۷۴ این مقاله.
۱۴۰. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ (صفحات ۲۱۹-۲۲۴) مجموعه قوانین موضوعه مصوبه دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی.

ماده ۶ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ مقرر می‌دارد:

«عملیات مفصله ذیل ممنوع و مرتکبین آن به موجب حکم محکمه قضایی به ادا پنجاه تومان الی هزار تومان جزای نقدي محکوم خواهند شد و به علاوه معادل خسارتي که به واسطه عمل خود بر آثار ملي وارد ساخته‌اند می‌توان از ایشان اخذ نمود:»^{۱۴۱}

الف. منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملي و مستور ساختن روي آنها به اندود و یا رنگ و رسم کرد نقوش و خطوط بر آنها.

ب - اقدام به عملیاتی در مجاورت آثار ملي که سبب زلزله بنیان یا تغییر صورت آنها شود.

ج - ...».

علاوه بر آن، آیین‌نامه اصلاحي اجرائي قانون راجع به حفظ آثار عتیقه مصوب ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱^{۱۴۲} هیئت وزیران در فصل

۱۴۱. برای مجازات رك. شماره ۷۸ این مقاله.
۱۴۲. این آیین‌نامه به شماره ۵۵۰۳ مورخ ۱۳۱۱/۹/۱۹ ابلاغ و در روزنامه رسمي شماره ۱۱۹۳ سال ۱۳۱۱ (صفحات ۲۸۸ - ۲۹۹ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۱) منتشر گردیده است.

اول راجع به عتیقه‌های غیرمنقول در ماده ۱۰ خود چنین می‌گوید:

«اعمال زیر اکیداً ممنوع است:

۱. خراب کردن یا صدمه رساندن به آثار ملی و مستور داشتن روی آنها را به اندود و یا نقوش و رسم کردن صورت و خطوط بر آنها.

۲. اجرای عملیات در مجاورت ابنیه ثبت شده در فهرست که صدمه به استحکام آنها یا به صورت آنها وارد شود.

۳. ...

هرکس که یکی از این جرایم را مرتکب شود در پیشگاه محاکم قضایی احضار و محکوم به اداء جریمه از پنجاه الی هزار تومان خواهد شد و به اضافه ممکن است میزان خسارات وارده به آثار و ابنیه ملی از او مطالبه شود».^{۱۴۳}

۱۴۳. باید یادآوری کرد که مجازاتهای مذکور در قانون راجع به حفظ آثار ملی و آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون راجع به حفظ آثار عتیقه با قانون راجع به مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ اصلاح شده بود. طبق ماده ۱۴ قانون مزبور «از تاریخ تصویب این قانون جز در امور خلافی، حداقل جزای نقدی ثابت کمتر از ۵۰۰۱ ریال نخواهد بود. در هر یک از قوانین جزایی که جزای نقدی کمتر از این مبلغ مقرر شده باشد به ۵۰۰۱ ریال افزایش خواهد یافت».

۷۷. همان‌گونه که در بالا اشاره شد می‌توان از قوانین راجع به مجازات نیز در مورد تخریب ابنیه و آثار ملی، مذهبی یا تاریخی استفاده کرد: ۱۴۴
طبق ماده ۱۲۷:

«هرکس نسبت به ابنیه و آثار مذهبی یا ملی یا تاریخی یا به اشیایی که برای نفع عموم یا تزئین اماکن مقدسه یا ملی نصب شده است خرابی وارد آورد به حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا ده سال و به تأدیه نصف مخارجی که برای مرمت خارجی لازم است محکوم خواهد شد».

طبق ماده ۱۲۷ مکرر:

«هرکس به قصد اضرار یا جلب منفعت به تمام از قسمتی از ابنیه تأسیسات یا تزئینات و ملحقات و یا اشیاء و لوازم اماکن تاریخی مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه مصوب سال ۱۳۰۹ که به ثبت آثار ملی رسیده است خرابی وارد آورد به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا ده سال محکوم می‌شود».

۱۴۴. قانون مجازات عمومی مصوب ۷ خردادماه ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۸۲۸۱ مورخ ۵/۴/۵۲، نشریه شماره ۲۳۲ ضمیمه روزنامه رسمی).

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۵۳

۷۸. با تصویب قانون تعزیرات^{۱۴۵} باید به مواد ۴۶ و ۴۷ این قانون جهت مجازات افرادی که به تخریب آثار ملی و مذهبی می‌پردازند مراجعه کرد نه به قوانین و آیین‌نامه‌های قبل از قانون تعزیرات. طبق ماده ۴۶:

«هرکس بدون اذن مراجع ذیصلاح نسبت به ابنیه و خطوط و نقوش و آثار مذهبی و تاریخی و ملی یا به اشیا که برای نفع عموم یا تزیین اماکن مقدسه یا ملی نصب شده است خرابی وارد آورد به حبس از یک تا ده سال و به پرداخت خسارات وارده محکوم خواهد شد».

و طبق بند ۱ ماده ۴۷:

«هرکس به قصد اضرار یا جلب منفعت به تمام یا قسمتی از ابنیه و تأسیسات یا تزیینات و ملحقات و یا اشیا و لوازم اماکن تاریخی مذکور در قانون حفظ آثار مصوب ۱۳۰۹ که به ثبت آثار ملی رسیده است خرابی وارد آورد علاوه بر

۱۴۵. قانون تعزیرات ۱۳۶۲ (منتشره در زورنامه رسمی شماره ۱۱۲۷۸).

پرداخت خسارات وارده به يك تا ده سال
حبس محكوم مي‌شود».

۷۹. همان‌طور که قبلاً یادآوردي شده، قرارداد ۱۹۵۴ لاهه بیشتر نظر به حمايت از اموال فرهنگي دارد و مجازات تجاوز به اين اموال را برعهده مقامات صالح هر يك از اعضاي قرارداد گذاشته است. بديهي است قوانين جزايي داخلي هرچند در اين زمينه مفيد است اما كافي نيست، زيرا علي‌الاصول تخریب يا انهدام اموال فرهنگي به هنگام نزاع مسلحانه در خاک سرزميني که اموال فرهنگي تخریب يا منهدم گردیده نيستند که قابل تعقيب باشند. وانگهي، همان مسئله‌اي که در زمان جنگ در مورد جنايتکاران جنگي مطرح مي‌شود و عبارت از آن است که آیا صرفاً بايد فرماندهان را تحت تعقيب قرارداد يا کليه نيروهايي را که در عمليات جنگي شرکت داشته‌اند، در اين مورد نيز صادق است.^{۱۴۶} حقوق

۱۴۶. پس از جنگ دوم جهاني و تشكيل دادگاههاي نورمبرگ و توکيو اين بحث پيش آمد که چگونه بايد با جنگ افروزان مواجه شد. يك نظريه مبتني بر تعقيب بسياري از افراد به‌عنوان جنايتکاران جنگي بود که حتي مي‌توانست تا حد فرماندهي يك گروهان کوچک نيز توسعه يابد. اما بالاخره نتيجه بر آن شد که فقط افراد و فرماندهان

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۲۵۵

بین‌الملل و قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در این زمینه فاقد قدرت اجرایی قابل قبول است.

هـ . اجرای عملی قرارداد با شرع نزاع مسلحانه

۸۰- با بررسی مسائلی که قبلاً عنوان گردید و پس از آشنایی با مقررات قرارداد، اکنون ضروری است تا به این مسئله پرداخته شود که در صورت وقوع نزاع مسلحانه چگونه باید از قرارداد استفاده کرد. به عبارت دیگر، چگونه می‌توان حمایت از اموال فرهنگی را تحت کنترل درآورد. لذا لازم است اولاً روشن شود که چه کسانی می‌توانند صلاحیت این کنترل را داشته باشند، ثانیاً اختیارات آنها چگونه است و ثالثاً ضمانت اجرای اعمال کنترل چیست؟

۱- صلاحیت کنترل

مشخصی که مستقیماً جنگ را رهبری می‌کردند و یا در کشتارها دست داشتند تحت تعقیب و مجازات قرار گیرند. در دادگاه نورمبرگ بیست و دو نفر محکوم به اعدام شدند.

۸۱. به هنگام وقوع يك نزاع مسلحانه مقامات مختلفي درگير حمايت از اموال فرهنگي ميشوند كه بايد در حقيقت حمايت از اين اموال را كنترل كنند. علاوه بر طرفهاي نزاع، قرارداد از قدرتهاي حمايتگر، كميسرهای عمومي، بازرسان و خبرگان نام ميبرد و محدوده صلاحيتهاي آنها را مشخص ميکند. در عين حال، همه اين مقامات تحت نظارت يونسكو انجام وظيفه ميکنند.

۱-۱- قدرتهاي حمايتگر:

۸۲. ماده ۲۱ قرارداد از «قدرتهاي حمايتگر» نام ميبرد بيآنكه تعريفی از ايشان به دست دهد و يا جزئيات تعيين آنها را مشخص کند.^{۱۴۷} اين ماده مقرر ميدارد:

«قرارداد حاضر و آييننامه اجرايي آن با همکاري قدرتهاي حمايتکننده اي كه

۱۴۷. لذا اين مسئله برعهده حقوق بينالملل عمومي و بهخصوص قرارداد وين درباره روابط ديپلماتيك ۱۸ آوريل ۱۹۶۱ (ماده ۴۶ و مقررات قرارداد ژنو و پروتکل الحاقی به آن) واگذار شده است. قدرت حمايتگر بدین ترتيب بر طبق مواد ۸/۸/۸/۹ قراردادهای ژنو اقدام ميکند (مراجعه کنید به "Jini Toman"، تحقيق ياد شده صفحه ۳۱).

مكلف بر صيانت منافع طرفه‌هاي متخاصم
هستند اجرا مي‌شوند».

با توجه به اين ماده مي‌توان گفت نه تنها طرفه‌هاي منازعه بلکه کشورها يا قدرتهايي که از هرکدام پشتيباني مي‌کنند نیز براي حفظ اموال فرهنگي بايد همکاري نمايند.

قرارداد ۱۹۴۹ ژنو در مورد انتخاب نمايندگان قدرتهاي حمايتگر از افراي خارج از مأموران کنسولي با قرارداد لاهه تفاوت دارد. همان‌گونه که ملاحظه مي‌شود، در قرارداد لاهه انتخاب به نحو موسع انجام مي‌شود در حالي‌که در قرارداد ۱۹۴۹ ژنو انتخاب اين نمايندگان محدود به شرايطي شده است از جمله اينکه بايد از بين تبعه همان کشور و يا تبعه ديگر قدرتهاي بي‌طرف باشند؛ البته مشروط بر آنکه رضایت قدرتي را که نزد آن قدرت انجام وظيفه مي‌کنند به دست بياورند.

صلاحيت قدرتهاي حمايتگر بيشتري در جهت اجرائي سازش است. در اين زمينه، قدرتهاي حمايتگر در تمامي مواردی که مفيد تشخيص دهند، در جهت نفع اموال

فرهنگی و به‌خصوص وقتی که طرفهای متخاصم در اجرا یا تفسیر مقررات قرارداد ۱۹۵۴ یا آیین‌نامه اجرایی آن اختلاف داشته باشند، مساعدتهای لازم به‌عمل می‌آورند.^{۱۴۸} در این جهت، هریک از قدرتهای حمایتگر می‌تواند به ابتکار یکی از طرفها، مدیرکل یونسکو یا رأساً به طرفهای تعارض پیشنهاد کند که نمایندگان آنها و به‌خصوص مقامات مسئول حمایت از اموال فرهنگی در یک سرزمین بی‌طرف که به تناسب انتخاب شده باشد اجتماع نمایند^{۱۴۹} و نیز در صورت رضایت طرفهای تنازع پیشنهاد می‌کنند که ریاست جلسه برعهده شخصیتی بی‌طرف باشد یا به‌وسیله مدیرکل یونسکو معرفی شود.

۸۳. قدرتهای حمایتگر نمایندگان خود را از بین اعضای دیپلماتیک یا کنسولی خود انتخاب می‌کنند. ممکن است این انتخاب از بین اشخاص دیگر باشد مشروط بر آنکه طرفی که قدرت حمایتگر در قبال او وظیفه خود را انجام می‌دهد موافق این امر باشد.^{۱۵۰}

۱۴۸. قرارداد، بند ۱ ماده ۲۲.

۱۴۹. همان، بند ۲ ماده ۲۲.

۱۵۰. همان، ماده ۳.

۸۴. اگر یکی از طرفهای تعارض از فعالیت یک قدرت حمایتگر استفاده نکند یا دیگر نخواهد استفاده کند، ممکن است از یک دولت بی‌طرف درخواست گردد که وظیفه قدرت حامی را جهت تعیین یک کمیسر عمومی برای حفظ اموال فرهدگی برعهده گیرد.^{۱۵۱} کمیسر عمومی که بدین ترتیب تعیین می‌شود احتمالاً به بازرسان وظیفه قدرت حمایتگر را تفویض می‌کند.^{۱۵۲}

اختیارات

۸۵. اختیارات نمایندگان قدرتهای حمایتگر را ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قرارداد به این ترتیب مشخص کرده است:

«نمایندگان قدرتهای حامی، تجاوزات از قرارداد را مشخص می‌سازند و با موافقت طرفی که نزد او وظیفه خود انجام می‌دهند به تشکیل پرونده در مورد مقتضیاتی که در آن تجاوز انجام شده است می‌پردازند و اقدامات لازم جهت قطع این تجاوزات را در محل به عمل می‌آورند و در صورت نیاز با جلب توجه کمیسر

۱۵۱. مراجعه کنید به کمیسرهای عمومی، شماره ۸۶.

۱۵۲. قرارداد، ماده ۹.

عمومي او را در جريان فعاليتهاي خود
قرار مي‌دهند».

۱-۲- كميسرهاي عمومي:

۸۶. به مجرد اعتبار قرارداد،
مديركل فهرستي بين‌المللي^{۱۰۳} از كليته
شخصيتهاي كه توسط منعقدكنندگان قرارداد
تعيين شده و شايستگي انجام وظيفه
«كميسرهاي عمومي» را براي حمايت از
اموال فرهنگي داشته باشند، تعيين
مي‌كند.^{۱۰۴} «كميسر عمومي» براي اموال
فرهنگي، با موافقت مشترك طرفي كه نزد
او بايد وظيفه خود را انجام دهد و
قدرتهاي حامي طرفهاي مقابل از روي
فهرست بين‌المللي شخصيتها انتخاب
مي‌شود.^{۱۰۵}

چنانچه طرفها در مدت سه هفته‌اي كه
مذاكرات در اين زمينه شروع مي‌شود به
توافق نرسند از ديوان بين‌المللي
دادگستري درخواست تعيين «كميسر عمومي»

۱۰۳. اين فهرست مي‌تواند در هر دوره‌اي با درخواست
منعقدكنندگان قرارداد و با ابتكار مديركل يونسكو مورد
تجدیدنظر قرار گيرد.

۱۰۴. قرارداد، ماده ۱.

۱۰۵. همان، بند ۱ ماده ۴.

می‌کنند. این کمیسر وظیفه‌اش از وقتی شروع خواهد شد که طرفی که نزد و باید وظیفه خود را انجام دهد اعلام رضایت کرده باشد.^{۱۵۶}

اختیارات

۸۷. کمیسرهای عمومی اختیارات زیادی دارند که ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی در بندهای ۱ تا ۶ خود به‌ترتیب ذکر کرده است:

۱- کمیسر عمومی اموال فرهنگی با نماینده طرفی که نزد او انجام وظیفه می‌کند و با نمایندگان قدرتهای حامی ذینفع مسائلی را که در مورد اجرای قرارداد پیش می‌آید مطرح می‌سازد.

۲- کمیسر عمومی در موارد پیش‌بینی شده در آیین‌نامه حق اخذ تصمیم و انتصاب دارد.

۳- او می‌تواند با موافقت طرفی که نزد او انجام وظیفه می‌کند تحقیقات در زمینه حمایت یا تجاوز از اموال فرهنگی را انجام دهد و یا هدایت شخصی تحقیقات را برعهده بگیرد.

۱۵۶. همان، بند ۲.

۴- او می‌تواند کلیه اقدامات ضروری را که برای اجرای قرارداد مفید تشخیص دهد نزد طرفهای متخاصم و یا قدرتهای حامی آنها معمول دارد.

۵- وی روابط ضروری جهت اجرای قرارداد را ایجاد می‌کند و آنها را به طرفهای ذینفع یا قدرتهای حمایتگر آنها ابلاغ می‌کند.

۶- وقتی قدرت حمایتگری وجود ندارد، کمیسر عمومی وظیفه قدرت حمایتگر را که در مواد ۲۱ و ۲۲ قرارداد مشخص شده است،^{۱۵۷} انجام می‌دهد.^{۱۵۸}

۱-۳- بازرسان و خبرگان

۸۸. ممکن است بازرسان، بنا به ضرورت، در اجرای کنترل دخالت داشته باشند که البته مشروط بر آن است که «کمیسر عمومی اموال فرهنگی» طبق درخواست یا پس از مشورت با نمایندگان ذینفع دخالت آنها را ضروری تشخیص دهد. در این صورت، پس از جلب موافقت طرفی که نزد او انجام وظیفه می‌کند شخصی را

۱۵۷. رك. شماره ۸۶ این مقاله.

۱۵۸. قرارداد، بند ۶ ماده ۶.

به‌عنوان بازرس اموال فرهنگی برای اجرای وظیفه خاص معرفی می‌کند. این بازرس فقط در قبال کمیسر عمومی مسئولیت دارد.^{۱۵۹} در مورد خبرگان، کمیسر عمومی، نمایندگان قدرتهای حامی و بازرسان می‌توانند از خدمات خبرگان و کارشناسان استفاده کنند که پس از رضایت طرفی که کمیسر عمومی نزد او انجام وظیفه می‌کند پیشنهاد خدمت خبرگان خواهد شد.^{۱۶۰}

هزینه‌ها :

۸۸ مکرر. طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی، دستمزد و هزینه‌های کمیسرهای عمومی اموال فرهنگی، بازرسان و خبرگان برعهده طرفی است که نزد او انجام وظیفه می‌کنند. دستمزد و هزینه‌های نمایندگان قدرتهای حمایت‌کننده موضوع توافق بین ایشان و دولتهایی که منافع آنها را حمایت می‌کنند خواهد بود.

به اعتقاد برخی، در مورد کمیسرهای عمومی و بازرسان و خبرگان، تعیین دستمزد به شکل مندرج در ماده ۱۰ ممکن

۱۵۹. همان، بند ۱ ماده ۷.

۱۶۰. همان، بند ۲.

است آزادي آنها را محدود کند و لذا معتقدند که بهتر است براي اينگونه افراد نوعي موقعيت کارمند بين‌المللي قائل شد تا استقلال آنها حفظ شود.^{۱۶۱} اين مسئله جالب توجه است اما بايد اشاره کرد که بدو وجود اين صلاحيت و اعطاي آن به يك سازمان بين‌المللي ضروري است.

۱-۴- یونسکو:

۸۹. نقش «یونسکو» يا سازمان تربيتي، علمي و فرهنگي ملل متحد^{۱۶۲} در حمايت از اموال فرهنگي را بايد در دو زمينه عام و خاص بررسي کرد.

۹۰. به‌طور كلي و با توجه به قرارداد ۱۹۵۴ لاهه، نظارت بر اجراي قرارداد منطبق با اندیشه منعقدکنندگان آن برعهده یونسکو و در حقيقت مديرکل آن و شوراي اجرايي است. یونسکو علاوه بر آنکه در تدوين قرارداد نقش اساسي داشته و در موارد قرارداد و آيين‌نامه اجراي

161. J. Toman: op.cit., 0.32.

162. L'organisation des Nations Unies pour L'education, la science et la culture.

آن نیز این نقش نه به طور کاملاً مستقیم و روشن در همه موارد بلکه با ابهاماتی دیده می‌شود. به طور خلاصه، بررسی قطعنامه‌ها، ارائه خدماتی به طرفین نزاع، دخالت در امر سازش، اخذ گزارشهای چهارساله، تشکیل مجامع، تعیین کمیسرهایی عمومی و... به طور کلی نظارت بر اجرای قرارداد و اجرای آن برعهده یونسکو گذارده شده است. می‌توان گفت نمایندگی اعمال مقررات حمایت از اموال فرهنگی به موجب اساسنامه به یونسکو داده شده است.^{۱۶۳}

۹۱. علاوه بر مسائل بالا، قرارداد به طور صریح عنوان «همکاریهای یونسکو» را در بند ۳ ماده ۱۹ خود و نیز در ماده ۲۳ به کار برده است.

۹۲. به موجب بند ۳ ماده ۱۹ به هنگام نزاعهای فاقد خصیصه بین‌المللی،^{۱۶۴} یونسکو خدمات خود را به طرفهای نزاع ارائه می‌دهد.

۹۳. ماده ۲۳ قرارداد تحت عنوان «همکاریهای یونسکو» مقرر می‌دارد:

163. J. Toman: op.cit., p. 22.

۱۶۴. رك. شماره ۹۸ این مقاله.

«طرفه‌هاي قرارداد مي‌توانند درخواست همكاريه‌هاي تكنيكي يونسكو را به‌منظور سازماندهي حمايت اموال و فرهنگي خود يا در مورد هر مسئله ديگري كه از اجراي قرارداد حاضر و آيين‌نامه اجرايي آن ناشي مي‌شود بنمايند. يونسكو در محدوده برنامه و امكانات خود همكاري مي‌كند. در مواردی كه يونسكو تشخيص دهد، و رأساً و با ابتكار خود مي‌تواند پي‌شنهادي در اين زمينه به طرفين قرارداد ارائه نمايد».

همان‌گونه كه ملاحظه مي‌شود، ماده ۲۳ بر همكاريه‌هاي تكنيكي يونسكو تكيه كرده است. ممكن است اين سؤال پيش آيد كه محدوده اين همكاريها تا كجاست؟ به عبارت ديگر، اين همكاري صرفاً تكنيكي است يا مسائل مادي را نيز دربرمي‌گيرد؟ با توجه به اينكه قرارداد در بسياري از زمينه‌ها تحت تأثير قراردادهاي ژنو مربوط به صليب سرخ بين‌المللي است و ماده ۹/۹/۹/۱۰ اين قراردادها براي صليب سرخ حق فعاليتهاي بين‌المللي در زمينه زيان‌ديدگان از تعارض قائل است، لذا

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۲۶۷

فعالیت آن فاقد «هر نوع ملاحظات سیاسی یا نظامی» است.^{۱۶۵} از این رو، به نظر می‌رسد که استعمال «همکاریهای تکنیکی» صرفاً ریشه خود را از ماده بالا گرفته است و نویسندگان ماده ۲۳ بدین ترتیب خواسته‌اند هر نوع خصیصه سیاسی یا نظامی را از این همکاری بزدایند.^{۱۶۶}

همان‌طور که ماده پیش‌بینی می‌کند، درخواست این همکاری از سوی طرفهای قرارداد به عمل می‌آید و یا رأساً از طرف یونسکو انجام می‌شود که می‌تواند پیشنهاد این کمک را بنماید. این مسئله که یونسکو می‌تواند رأساً پیشنهاد کمک بنماید مورد اختلاف بوده و به‌خصوص بر این نکته تکیه شده است که قدرت فائقه دولتها را محدود می‌کند.^{۱۶۷} اما به هر حال ماده به شکل فعلی تصویب شده است.

۹۴. کمکهای تکنیکی یونسکو می‌تواند به اشکال گوناگون انجام شود نظیر کمک یونسکو به کشورهای عضو قرارداد برای

۱۶۵. قراردادهاي ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، تفسیر، جلد ۱، ۱۹۵۲، ص ۱۱۹.

166 . J. Toman: op.cit., p. 25.

۱۶۷. به‌عنوان مثال، مدیرکل در سال ۱۹۷۰ يك هیئت کارشناسی را به درخواست دولت کامبوج برای همکاری تکنیکی به آن کشور اعزام داشته است.

ایجاد کمیته‌های ملی در سطح کشورها، علامت‌گذاری بناها، ساختمان پناهگاه‌ها و غیره. همچنین، یونسکو می‌تواند به طرفهای قرارداد از نظر مشورتی در برخی از زمینه‌ها کمک کند، اما یونسکو تفسیر قرارداد را به‌عنوان کمک تکنیکی رد کرده و آن را در صلاحیت دولتها قرار داده است.

۹۵. مثالهای متعددی در زمینه این‌گونه کمکها وجود داشته است از جمله در ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به درخواست دولتهای مصر و اسرائیل برای خانقاه کاترین مقدس در سینا، یونسکو به اعزام پروفیسور ژرار گاریت مبادرت کرد. مثال جدیدتر این همکاری کمک به خرید دستگاه فنی برای ایران است که پس از فعالیتهای مداوم انجام پذیرفته است.

۲- ضمانت اجرای کنترل

۹۶. همان‌طور که قبلاً یادآوری شد، اصولاً قرارداد از یک ضمانت اجرای بین‌المللی دقیق برخوردار نیست؛ لذا در مورد کنترل نیز این ضمانت وجود ندارد، فقط قرارداد نوعی ضمانت اجرای اخلاقی در

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۶۹

این زمینه در نظر گرفته است بی آنکه روشن سازد نحوه برخورد با تخلفات چیست. ماده ۸ آیین نامه اجرایی قرارداد تحت عنوان «اجرای وظیفه کنترل» چنین مقرر می‌دارد: «کمیسرهای عمومی اموال فرهنگی، نمایندگان قدرتهای حمایتگر، بازرسان و خبرگان نبایستی به هیچ عنوان از محدوده وظایف خود خارج شوند. آنها به خصوص بایستی ضرورت امنیت طرف قرارداد را که نزد او انجام وظیفه می‌کنند رعایت نمایند و در هر مقتضیاتی به موقعیتهای نظامی که به آنها شناسانده می‌گردد توجه داشته باشند».

۳. وظیفه طرفهای قرارداد به هنگام نزاع مسلحانه

۹۷. به مجرد آنکه یکی از طرفهای قرارداد در موقعیت یک نزاع مسلحانه قرار گیرد^{۱۶۸} چنانچه سرزمینی را اشغال کرده باشد نماینده ای برای اموال فرهنگی مستقر در روی سرزمین خود تعیین می‌کند، و چنانچه سرزمینی را هم اشغال

۱۶۸. در این زمینه ر.ک. ماده ۱۸ قرارداد.

کرده باشد مکلف است بر اینکه نماینده‌ای خاص برای اموال فرهنگی که روی آن سرزمین وجود دارد تعیین کند. قدرتهای حامی هر کدام از طرفهای مقابل طرفی که در نزاع مسلحانه قرار گرفته است نمایندگانی منطبق با ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی^{۱۶۹} نزد این طرف تعیین خواهند کرد. همچنین، یک کمیسیون مومی برای اموال فرهنگی منطبق با ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی^{۱۷۰} نزد این طرف قرارداد تعیین می‌گردد.^{۱۷۱}

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بین دو عمل یعنی اشغال سرزمین و یا عدم اشغال آن تفاوتی از جهت تعیین نماینده وجود ندارد، زیرا در هر دو حال قرارداد این مسئله را در وظیفه طرفها دانسته است.

و - نزاعهای مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی

۱۶۹. قدرتهای حمایتگر نمایندگان خود را از بین مأموران سیاسی یا کنسولی یا افراد دیگری با رضایت طرفی که نزد او انجام وظیفه می‌کند برمی‌گزینند.

۱۷۰. که از روی فهرست بین‌المللی با توافق مشترک طرفی که نزد او انجام وظیفه می‌کند و قدرتهای حمایتگر طرف مقابل انتخاب می‌شود.

۱۷۱. قرارداد، ماده ۲.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۷۱

۹۸. نظر به اینکه قرارداد ۱۹۵۴ لاهه اصولاً يك پیمان بین‌المللی از جهت حقوق بین‌المللی تلقی می‌گردد لذا امکان تعمیم آن بر نزاعهای فاقد خصلت بین‌المللی چون جنگهای داخلی وجود ندارد. بند ۱ ماده ۱۹ قرارداد به تعارضاتی با خصیصه غیربین‌المللی توجه کرده و مقرر می‌دارد: «در مورد نزاع مسلحانه فاقد يك خصیصه بین‌المللی و واقع شده بر روی سرزمین یکی از طرفهای قرارداد، هریک از طرفها مکلف است حداقل مقررات قرارداد لاهه را که مبتنی بر احترام به اموال بین‌المللی است رعایت کند».

و بلافاصله در بند ۲ به موافقتهای خاص اشاره می‌کند: «طرفین قرارداد از طریق موافقتهای خاص کوشش بر اجرای عام یا قسمتی از مقررات دیگر قرارداد را می‌نمایند».

این ماده گرچه به نزاعهای غیربین‌المللی توجه دارد اما قلمرو اجرایی آن نامشخص است. آیا هر شورش، طغیان یا اغتشاشی که به‌نحو مسلحانه

باشد می‌تواند عنوان نزاع مسلحانه فاقد
خصیصه بین‌المللی را پیدا کند؟ به
اعتقاد یکی از محققان^{۱۷۲} چون ماده ۳
مشترک به قراردادهای ۱۹۴۹ ژنو در زمینه
قلمرو اجرایی اشاره کرده است و ماده ۱۹
قرارداد ۱۹۵۴ لاهه شباهت بسیاری به ماده
۳ فوق‌الذکر دارد، لذا می‌توان گفت که
قلمرو اجرایی ماده ۱۹ همان قلمرو
اجرایی ماده ۳ قراردادهای ژنو است.
بدین‌شکل، می‌توان نتایج تفسیرهای
قرارداد ژنو را در این زمینه نیز ساده
کرد که به‌موجب آن «به‌نحوی کلی می‌توان
پذیرفت که نزاع‌های مورد توجه ماده ۳
نزاع‌های مسلحانه‌ای است که خصیصه آنها
خصومت‌هایی است نیروهای مسلح را درگیر
می‌کند. در جمع، انسان خود را در مقابل
نزاعی می‌بیند که هرچند واجد جنبه‌های یک
جنگ بین‌المللی است اما در اندرون یک
دولت ایجاد می‌شود».^{۱۷۳}

هنگامی‌که کنفرانس دیپلماتیک ژنو از
۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ پروتکل‌های الحاقی به
قرارداد ژنو را تدوین کرد، مقرراتی را

172. J. Toman: op.cit., pp. 56 et s.

۱۷۳. قراردادهای ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، تفسیر، جلد ۴، صص
۴۰-۴۲.

به تصویب رساند که مستقیماً اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه را مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۷۴} این پروتکل‌ها از ماده ۳ قراردادهاي ژنو که ماده ۱۹ قرارداد لاهه را تغذیه کرده است به‌نحوی محدود با مسئله برخورد می‌کند. به‌موجب ماده اول پروتکل دوم، تعارضات مسلحانه غیربین‌المللی نزاع‌هایی است که تحت پوشش ماده اول پروتکل الحاقی به قراردادهاي ۱۹۴۹ ژنو مربوط به حمایت از زیان‌دیدگان از جنگ قرار نمی‌گیرد. وانگهی، بند ۲ ماده اول پروتکل دوم چنین مقرر می‌دارد: «پروتکل حاضر بر بحران‌های داخلی، اغتشاشات درون کشور چون شورش‌ها، اعمال مجرد و انفرادی، تجاوزات و دیگر اعمال مشابه که به‌عنوان تعارض مسلحانه تلقی گردد، اجرا نمی‌شود».

این بند هرچند ناظر به زمان صلح است اما می‌توان استنباط که تعارض مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی را باید به شکلی کاملاً محدود تفسیر کرد. به اعتقاد ما کیفیت این‌گونه نزاع‌ها در

۱۷۴. رك. شماره ۱۰۰ این مقاله.

تعريف آنها مي‌تواند مؤثر باشد نه در كميت آنها. امروز حتي يك گروه كوچك با سلاحهاي پيشرفته مي‌توانند در داخل كشور موجب يك نزاع مسلحانه وسيع باشند، و برعكس، گروه بزرگي كه فاقد تجهيزات و سلاحهاي كافي هستند شايد نتوانند يك تعارض مسلحانه را در مفهوم خاص خود ايجاد كنند.

۹۹. سؤالي كه از اهميت خاص برخوردار است و بايد بدان دقيقاً توجه كرد اين است كه «ابتكار» يونسكو در زمينه ارائه خدماتي به تعارضات غيربين‌المللي تا چه ميزاني قابل توسعه و گسترش است؟ به عبارت ديگر، حق يونسكو براي اين مداخله تا كجاست؟ زيرا از طرفي يك سازمان بين‌المللي چون يونسكو كه از اعتبار جهاني برخوردار است بيشتر تكيه بر مواضع اخلاقي در زمينه ارائه اين كمكها دارد، و از سوي ديگر هرگونه اقدامي ممكن است به دخالت در امور كشورها تعبير گردد و آنها را در موقعيت تعارض با يونسكو قرار دهد.^{۱۷۵} مشروعيت

۱۷۵. رك. قراردادهاي ژنو ۲ اوت ۱۹۴۹، تفسير، جلد ۴، ژنو، صليب سرخ بين‌المللي، ۱۹۵۶، صص ۴۶ و بعد.

این کمک از نظر حقوقی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. بند ۳ ماده ۱۹ قرارداد لاهه عنوان می‌کند که یونسکو می‌تواند خدمات خود را به طرفهای درگیر عرضه دارد. این بند از طرفی اختیاری بودن این خدمات را عنوان می‌کند، و از طرف دیگر مفهوم مخالف این بند که یونسکو نمی‌تواند در صورتی که درخواست چنین خدماتی از او بشود دریغ دارد به ظاهر موجب تعارض می‌گردد. مسئله می‌تواند چنین عنوان شود که اگر یونسکو خدمات خود را عرضه کند و طرفها به‌عنوان دخالت در امور کشور آن را نپذیرند آیا تکلیفی برعهده یونسکو قرار دارد یا نه؟ و یا چنانچه طرفها یا یکی از آنها چنین درخواستی کند و با مخالفت طرف دیگر مواجه شود یا خود یونسکو به‌عنوان اختیاری بودن این خدمات از انجام آنها دریغ ورزد چگونه باید با مسئله برخورد کرد؟ بند ۳ ماده ۱۹ حق وسیع پیشنهادهایی را برای یونسکو در نظر گرفته است بی‌آنکه تحقق این حق را دقیقاً مشخص کند. به اعتقاد برخی از نویسندگان بهتر است که برای شناخت حدود اعمال این حق و رفع تعارض، از تجربه صلیب سرخ

بین‌المللی استفاده کرد. اما به اعتقاد ما هر قرارداد بین‌المللی باید در محدوده آن قرار داد و با توجه به اینکه منعقدکنندگان نظر بر اجرای آن در چارچوب مشخص داشته‌اند مورد بررسی قرار گیرد، به‌ویژه آنکه طبیعت دو قرارداد از یکدیگر جداست: صلیب سرخ در چارچوب یک سازمان عام‌المنفعه خصوصی با شرایط خاص خود قرار دارد، در حالی‌که یونسکو یعنی سازمانی بین‌المللی با خصیصه ایجاد روابط بین دول در چارچوب مسائل خاص خود قرار می‌گیرد.

اگر فرض کنیم که منعقدکنندگان قرارداد با امضا و تنفیذ آن، به یونسکو این نمایندگی را تفویض کرده‌اند که بتواند در مورد نزاع‌های با خصیصه غیربین‌المللی رأساً اقدام کند و رضایت یا عدم رضایت دولتها در این زمینه نقشی ندارد، بلافاصله این مسئله مطرح می‌شود که به فرض قبول این مطلب، دولتهایی که قرارداد را تنفیذ نکرده یا به آن ملحق نشده‌اند در ایجاد قرارداد نقشی نداشته‌اند تا بتوانند مورد تکلیف قرار گیرند. و اگر فرض کنیم که مقررات و

قراردادهای بین‌المللی فراتر از قراردادهای داخلی است، و به‌خصوص وقتی که پای اموال فرهنگی که اموال انسانیت است در میان باشد این قراردادها برای کلیه دولت‌ها لازم‌الاتباع است، باز با این سؤال روبه‌رو می‌شویم که اعتبار افزون‌تر از قراردادهای داخلی برای قراردادهای بین‌المللی قائل شدن بستگی به تبعیت دولت‌ها برای ابقای این اعتبار دارد و در صورت عدم این تبعیت چه اعتباری می‌توان لحاظ کرد؟ شاید بتوان راه‌حل میانه‌ای یافت و آن اینکه بین دولتهای ملحق شده به قرارداد و دولتهای غیر آن تفکیک قائل شد. در مورد اول، حق ابتکار یونسکو در حال وجود دارد و چه رأساً و چه به درخواست هر یک از طرف‌ها می‌باید از این حق استفاده کند و حتی به اعتقاد ما با توجه به اینکه اموال فرهنگی در زمره میراث جهانی است یونسکو نمی‌تواند به صرف اختیاری بودن این حق از اعمال آن چشم‌پوشی نماید. کلیه دولتهای عضو با امضای قرارداد این حق را پذیرفته و تبعیت از اعمال آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در مورد دوم، اصولاً با عدم

الحاق به قرارداد تکلیفی در این زمینه
نه برای یونسکو و نه برای دولتهای
غیرعضو وجود ندارد و صرفاً اعمال بند ۱
ماده ۱۹ را باید مدنظر قرار داد.

در پایان این بحث لازم است به دو
ابزار دیگر که هرچند با توجه به
قرارداد ۱۹۵۴ لاهه نمی‌توانند آثار آن را
از بین ببرند ولی می‌توانند مکمل دیدگاه
قرارداد لاهه باشند اشاره کنیم که هر دو
مستقیم و غیرمستقیم اموال فرهنگی
به‌هنگام نزاع مسلحانه را مورد توجه
قرار می‌دهند.

۱۰۰. یکی قرارداد مربوط به حمایت از
میراث جهانی، فرهنگی و طبیعی است که
توسط کنفرانس عمومی یونسکو در هفدهمین
جلسه در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ در پاریس منعقد
شده و دیگر مقرراتی که کنفرانس
دیپلماتیک ژنو با تدوین پروتکل‌های
الحاقی به قرارداد ژنو وضع کرده است.

۱۰۱. در قرارداد مربوط به حمایت از
میراث جهانی، فرهنگی و طبیعی^{۱۷۶} که

176. Convention concernant la protection du patrimoine mondial, culturel et naturel, Paris, 1972.

کنفرانس عمومی یونکسو تدوین کرده ۱۷۷
گرچه مستقیماً به منظور حمایت از اموال
فرهنگی در زمان جنگ تدوین نشده اما این
حمایت از آن لحاظ گردیده است. تبصره ۳
ماده ۶ قرارداد مقرر می‌دارد:

«هریک از دولتهای عضو قرارداد متعهد
می‌شوند هیچ‌گونه اقدامی معمول ندارند
که مستقیم یا غیرمستقیم موجب وارد
آمدن خسارت به میراث فرهنگی و طبیعی
ملحوظ در مواد ۱ و ۲ قرار شود که روی
سرزمین دولت دیگر عضو این قرارداد
قرار گرفته است».^{۱۷۸}

وانگهی، بند ۴ ماده ۱۱ قرارداد که
به تشکیل کمیته‌های دول مختلف برای
حمایت از میراث جهانی، فرهنگی و طبیعی
توجه دارد به فهرست اموالی اشاره می‌کند
که در معرض تلف و نابودی باشد و از
جمله به تعارضات مسلحانه‌ای که وقوع
یافته یا امکان وقوع آنها وجود دارد و

۱۷۷. قرارداد از ۱۹۷۵/۱۲/۱۷ تا ۱۹۸۳/۹/۶ اعتبار یافته
است و ۷۷ دولت به آن پیوسته‌اند. در این مورد رک.:

Les textes romatifs de l'unesco, Paris, UNESCO, 1980, IV. A. 5.

۱۷۸. نگاه کنید به مأخذ فوق، مواد ۱ و ۲. در این مواد
اموال فرهنگی و طبیعی احصا شده است.

می‌تواند میراث ذکر شده را از نظر تلف یا انهدام مورد تهدید قرار دهد توجه می‌کند.

۱۰۲. در کنفرانس‌های دیپلماتیک ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ ژنو پروتکل‌های الحاقی به قراردادهای ژنو تدوین شد که دو ماده ۵۳ از پروتکل اول و ۱۶ از پروتکل دوم مستقیماً حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه را مدنظر قرار داده است. ماده ۵۳ پروتکل اول مقرر می‌دارد:

«بدون آسیب رسیدن به مقررات قرارداد

۱۹۵۴ لاهه ... ممنوع است:

الف. هر نوع عمل خصومت‌آمیز علیه بناهای تاریخی، آثار هنری یا امکانه فرهنگی که میراث فرهنگی و ذهنی ملت‌هاست.

ب. استفاده از این اموال به‌منظور کوشش‌های نظامی.

ج. اموال را موضوع تلافی و جبران قرار دادن».

ماده ۱۶ پروتکل دوم با قید اینکه قرارداد ۱۹۵۴ لاهه باید رعایت شود «انجام هر عمل خصومت‌آمیز علیه بناهای

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۸۱

تاریخی، آثار هنری، امکانه فرهنگی که میراث فرهنگی یا ذهنی ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و همچنین استفاده از آنها را برای کوشش‌های نظامی ممنوع می‌سازد».

۱۰۳. همچنان‌که اشاره شد وجود این ابزارها خدشه‌ای بر اجرای مقررات قراردادها ۱۹۵۴ لاهه وارد نمی‌کند و قلمرو آن را محدود نمی‌سازد.

مبحث ۲

اجرای قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در جنگ عراق - ایران

۱۰۴. تجربه تلخ جنگ‌های گذشته، و به‌خصوص دو جنگ عالمگیر جهانی، سد محکمی در قبال جنگ‌های بعدی ایجاد نکرده است. روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ارتش عراق به خاک ایران حمله کرد و به فاصله چند روز چندین شهر جنوبی کشورمان را به اشغال خود درآورد. در این حمله از وسایل جدید نظامی و بمباران هوایی فراوان استفاده شد، بسیاری از هموطنان ما به شهادت رسیدند

و شهرها و بناهاي تاريخي كشورمان به دفعات دستخوش تخریب كلي يا جزيي شدند.

۱۰۵. ایران، سرزمین پهناور و غني از منابع طبيدي، داراي ميراث فرهنگي سترگي از گذشتگان خویش است و لذا طبيعي است که جهت حفظ اين ميراث، چه در زمينه داخلي و چه در زمينه بين‌المللي، از کليه امکانات استفاده کند تا بتواند حافظ صادق و نيرومندی براي تاريخ، مليت، مذهب و سنتهاي خود باشد. از اين جهت، تجاوز به ميراث فرهنگي خود را با قانون جزا پاسخ مي‌دهد^{۱۷۹} و براي نگاهباني آن از نظر بين‌المللي به قراردادهاي جهاني مي‌پيوندد.

قسمت اول

الحاق ايران به قرارداد ۱۹۵۴ لاهه

۱۰۶. ایران از زمره كشورهايي است که به قرارداد لاهه در ۱۹۵۹/۶/۲۲ ملحق شده است.^{۱۸۰} يادآوري اين نکته ضروري است

۱۷۹. رك. ميحث اول اين مقاله، شماره ۷۶ و بعد.
۱۸۰. براي ملاحظه متن فارسي اين قرارداد رك. مجموعه قوانين سال ۱۳۳۷، روزنامه رسمي، صص ۶۴۸-۶۲۶.

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۲۸۳

که عراق نیز قرارداد موصوف را تنفیذ و در ۱۹۶۷/۱۲/۲۱ به آن ملحق گردیده است. تا اول سپتامبر ۱۹۸۴ هفتاد و یک کشور به این قرارداد پیوسته‌اند.^{۱۸۱}

۱۰۷. الحاق به هر قراردادی در زمینه بین‌المللی بدان معنی نیست که بلافاصله بتوان از آن استفاده کرد بلکه پیش‌بینی وجود شرایط استفاده از قرارداد موجب خواهد شد تا دول گوناگونی که به قراردادی می‌پیوندند بدان احترام گذارند.

۱۰۸. شروع جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ موجب توجه به قرارداد ۱۹۵۴ لاهه گردید به‌خصوص آنکه شهرهای تاریخی و بناها و آثار فرهنگی ما هر لحظه در معرض تهدید بمب و موشک دشمن بود و هست. طبیعتاً وجود یک قرارداد بین‌المللی چون قرارداد لاهه که فاقد ضمانت اجرای قاطع و یقینی است نمی‌تواند از جهت قطع حملات به آثار فرهنگی یک کشور چندان مفید باشد اما

۱۸۱. اطلاعاتی در زمینه قرارداد حمایت از اموال فرهنگی، لاهه ۱۹۵۴، گزارش ۱۹۸۴، صص ۲۰ و ۲۱.

ضروري است که بتوان از آن در جهت تحديد عمليات استفاده کرد.

قسمت دوم

نگرشي بر روند اجرائي قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در جنگ عراق - ايران

۱۰۹. همانگونه که قرارداد پيشبيني ميکند، حمايت از اموال فرهنگي کشورهاي عضو قرارداد مشروط به شرايط متعدد است. قبل از هر چيز، ثبت اين آثار در دفتر بين المللي ثبت آثار فرهنگي حايز اهميت است و کشورهاي متعدد کوشيده اند حداقل مهمترين آنها را در دفتر ثبت کنند. ايران نيز چنين کرده است.

۱۱۰. در نقشه اي که از طرف يونسکو يا سازمان تربيتي، علمي و فرهنگي ملل متحد در دسامبر ۱۹۸۷ انتشار يافته، موقعيت استقرار اموال فرهنگي ثبت شده يا «ثروت جهاني» ترسيم گرديده است. طبق اين نقشه^{۱۸۲} ميدان نقش جهان در اصفهان، پرسپوليس در شيراز و چغازنبيل در جنوب جزء ثروت جهاني به ثبت رسیده است.

۱۸۲. رك. شماره هاي ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۴۵ همين مقاله.

۱۱۱. با توجه به تعداد شهرها و آثار تاریخی ایران به خصوص در کرمان، شیراز، اصفهان، شوش، تهران و دیگر شهرها و روستاهای ایران، معلوم نیست چرا در ثبت لاقل مهمتريت اين آثار غفلت شده است.

۱۱۲. مشخصاً، پیشرفت جنگ طرفین را در موقعیت «تلافی» قرار می‌دهد و لذا امکان توسعه جنگ به مناطق غیرنظامی و مسکونی، آثار فرهنگی و تاریخی - چه به دلیل اینکه گاه خود این آثار هدف قرار می‌گیرد و گاه به دلیل همجواری با مناطق نظامی مورد آسیب واقع می‌شود- هر لحظه وجود دارد و تجربه نشان داده است که باید پیش‌بینی‌های لازم را در زمان صلح به عمل آورد و نمی‌توان به اتکالی قراردادهای بین‌المللی و یا ضمانت‌اجراهای جزایی از این پیش‌بینی‌ها غافل بود. به همین دلیل در پناه قرار دادن اموال فرهنگی ضرورت تاریخی است.

۱۱۳. حمله هواپیماهای عراقی در ۱۳ مارس ۱۹۸۵ به شهر تاریخی اصفهان موجب شد تا قسمتی از مسجد جامع و بافت شهری

اطراف آن تخریب شود.^{۱۸۳} با توجه به اینکه این بافت تاریخی در میدان نقش جهان قرار گرفته و این میدان در «فهرست اموال فرهنگی» ثبت شده است، می‌توان گفت که اعمال قرارداد ۱۹۵۴ لاهه مستقیماً از این تاریخ در مورد حفظ آثار تاریخی ایران به دلیل نزاع مسلحانه شروع می‌شود.

۱۱۴. اعلام این حمله و تهدید بر تداوم آن و همچنین ادعای متقابل دولت عراق مبنی بر بمباران شهر بصره توسط هواپیماهای ایرانی و ورود خسارت به مسجد «امام علی»^{۱۸۴} موجب دخالت سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در قضیه گردید.

۱۱۵. مدیرکل یونسکو در بیست و یکمین جلسه شورای اجرایی یونسکو در گزارش شفاهی ۱۳ مه ۱۹۸۵ خود، پس از اعلام گزارشهای طرفین درگیر در جنگ، توجه دو دولت را به ماده ۴ قرارداد لاهه جلب کرده است. این ماده مبتنی بر

۱۸۳. رك. گزارش نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در یونسکو، ۱۴ مارس ۱۹۸۵، آرشیو یونسکو.

۱۸۴. نامه مورخ ۳۰ مارس نماینده عراق به مدیرکل یونسکو.

احترام به اموال فرهنگی مستقر در روی سرزمین هر يك از طرفین است.^{۱۸۵} آنگاه مدیرکل عنوان می‌کند که «طرفین تشریفات پیش‌بینی شده در آیین‌نامه اجرایی به‌ویژه تعیین کمیسرهای عمومی برای اموال فرهنگی را به جریان بگذارند که به‌عنوان يك پایه حقوقی برای تحقق يك عمل مثبت و فوری در جهت حفظ اموال فرهنگی است».

طی همان گزارش، مدیرکل تضمین کمک فنی یونسکو مندرج در ماده ۲۳ قرارداد را داده است.

۱۱۶. با توجه به اینکه دولت ایران درخواست اعزام هیئتی از جانب یونسکو برای بررسی خسارات وارده را نموده بود لذا مدیرکل در گزارش خود اعلام می‌دارد: «... اعزام يك چنین هیئتی برای تشخیص نقض کنوانسیون لاهه مستلزم روش کنترل است...» و تشریفات این روش منطبق با مواد قرارداد و آیین‌نامه اجرایی آن را دقیقاً اعلام می‌دارد.

۱۸۵. رك. مبحث اول این مقاله.

۱۱۷. به دنبال اقدامات و نامه‌های بعدی،^{۱۸۶} مدیرکل یونسکو در نامه آوریل ۱۹۸۵ خود به اهمیت میراث فرهنگی ایران اشاره می‌کند:

«... اخباری که درباره موقعیت اموال فرهنگی شهر اصفهان دریافت شده توجه ویژه اینجانب را جلب نمود. خبر مربوط به مسجد جامع بنا شده بر روی امکانه قدیمی زرتشتی و حتی میدان نقش جهان که در فهرست میراث جهانی ثبت شده و ممکن است به صورت غیرقابل ترمیم خسارت دیده و یا حتی خراب شده باشد از جمله اخبار بسیار نگران‌کننده است...».

۱۱۸. در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ عراق دهها شهر ایران را بمباران می‌کند. این حمله به مدیرکل یونسکو اعلام می‌شود^{۱۸۷} و در همان تاریخ با تلکسی به وزارت خارجه جریان گزارش و پیشنهاد می‌گردد که تعیین کمیسر کل از روی فهرست ضمیمه (فهرستی که مبتنی بر مشخصات افراد واجد صلاحیت

۱۸۶. نامه ۱۵ مارس نماینده دائم ایران در یونسکو، تلکس وزارت فرهنگ و آموزش عالی و نامه مورخ ۱۸ مارس همان وزارت به مدیرکل یونسکو، آرشیو یونسکو.

۱۸۷. تلکس نماینده دائم ایران در یونسکو، آرشیو یونسکو، ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵.

است) ضروري است و همچنين تعيين يك کشور بي طرف را پيشنهاد مي نمايد.

۱۱۹. مديرکل يونسکو در نامه هاي متعدد به حمايت از اموال فرهنگي و اجراي قرارداد لاهه اشاره مي کند و اهميت نظام کنترل را يادآور مي شود^{۱۸۸} و در عين حال نمايندگان خود را با شرحي از تاريخچه زندگي ايشان جهت بازديد از مناطق آسيبديده معرفي مي کند.

۱۲۰. اهميت اين بازديد از جهت لطماتي که به آثار فرهنگي ايران وارد شده از يك طرف و نقض صريح کميسيون ۱۹۵۴ از طرف ديگر موجب مي شود که نمايند دائم ايران در يونسکو با تاکيد بر اهميت اين مسافرت اعلام دارد که: «اين مسافرت صرفاً براي ديدار از اصفهان و مسجد جامع آن نيست بلکه بايد کوشش نمود که نمايندگان اعزامي در جريان کليه ويرانيهاي آثار فرهنگي، مدارس، مساجد و آثار تاريخي قرار گيرند»^{۱۸۹}.

۱۸۸. مراجعه کنيد به نامه DG/4.5/01/701/20.3/101 مورخ ۱۴ اوت ۱۹۸۵،
۱۸۹. نامه مورخ ۶۴/۶/۲۱ به وزارت خارجه ايران، آرشيو يونسکو.

۱۲۱. در ۸ نوامبر ۱۹۸۵ کنفرانس عمومی یونسکو قطعنامه‌ای صادر می‌کند که ضمن آن با یادآوری نقش مهم یونسکو در همبستگی ذهنی و اخلاقی انسانیت و عمیقاً متأثر از تعارض دو کشور، به هر دو طرف درگیر اخطار می‌کند که راه‌حلی بر مبنای احترام متقابل و تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور یکدیگر پیدا کنند. همچنین، توجه به اصل و مقررات بین‌المللی در زمینه حمایت از اموال فرهنگی را یادآور می‌شود و از کلیه دول و جامعه بین‌المللی دعوت می‌کند که راه‌حلی صلح‌آمیز برای تعارض بیابند و حمایت از اموال فرهنگی را تضمین کنند. قطعنامه از مدیرکل می‌خواهد تا هرگونه اقدام لازم را در زمینه‌های فوق انجام دهد و گزارش کار را به شورای اجرایی در یکصد و بیست و چهارمین جلسه اعلام دارد. ۱۹۰.

۱۲۲. مدیرکل یونسکو با ارسال قطعنامه برای ایران اعلام می‌دارد: «متن این قطعنامه، به‌خصوص برای من، تأکید

۱۹۰. قطعنامه پذیرفته شده بر مبنای گزارش کمیسیون (۵) در سی و ششمین جلسه ۸ نوامبر ۱۹۸۵، صوفیه، ۸ اکتبر تا ۹ نوامبر ۱۹۸۵.

براین عقیده است که کلیه اقدامات جهت اجرای مقررات لاهه بایستی انجام گیرد...»^{۱۹۱} و اضافه می‌کند که در مورد تعیین کمیسرهایی عمومی قبلاً تأکید کرده و بر این تأکید همچنان استوار است و ضمناً نمایندگان خود را از ۳۱ اکتبر تا ۷ نوامبر ۱۹۸۵ به ایران اعزام می‌دارد و همچنین اعلام می‌کند از ۱۱ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ نمایندگان نیز به عراق اعزام خواهد داشت.

۱۲۳. نماینده دائم ایران در یونسکو با ارسال نامه‌ها به وزارت خارجه مجدداً آرزو می‌کند که «نظام کنترل» هرچه سریع‌تر برقرار شود.^{۱۹۲} همچنین، دوباره درخواست اعلام نام یک کشور بی‌طرف را می‌نماید.^{۱۹۳}

۱۲۴. از ۲۴ تا ۲۶ فوریه ۱۹۸۶ کنگره‌ای در دانشگاه تهران به یادبود اما غزالی تشکیل می‌گردد و در این کنگره، با تأکید بر اینکه اموال فرهنگی

۱۹۱. نامه شماره DG/4.5/7.1/20.3/16 مورخ ۱۱ مارس ۱۹۸۶

۱۹۲. نامه شماره ۳۹-۷۸۸/۱۱۹ مورخ ۶۴/۱۲/۲۶، آرشیو یونسکو.

۱۹۳. نامه شماره ۳۹-۷۹۸/۱۱۹ مورخ ۶۴/۱۲/۲۶، آرشیو یونسکو.

جزء میراث انسانیت است، از یونسکو خواسته می‌شود تا تهاجمات علیه این اموال را محکوم کند.

۱۲۵. در ۱۴ مارس ۱۹۸۵ هواپیماهای عراقی به شهر تاریخی اصفهان حمله می‌کنند و مجدداً به قسمتی از شهر آسیب می‌رسانند. تداوم این حملات موجب می‌شود تا به دنبال اقدامات متعدد، نمایندگان یونسکو به ایران حرکت کنند.

۱۲۶. نمایندگان اعزامی یونسکو از ۳۱ اکتبر تا ۷ نوامبر ۱۹۸۵ از ایران بازدید و گزارش مفصلي در مورد این بازدید تهیه و به مدیرکل یونسکو تسلیم می‌کنند. وظیفه نمایندگان اعزامی در این گزارش مبتنی بوده است بر:

۱- بررسی طبیعت و گسترش خسارات وارده به اموال فرهنگی به دنبال اقدامات جنگی در محل هر حادثه.

۲- بررسی امکان تعیین کمیسر عمومی منطبق با تشریفات قرارداد ۱۹۵۶ لاهه و آیین‌نامه اجرایی آن و هرگونه اقدام دیگری برای آنکه بتوان اموال فرهنگی را در مقابل خطرات جنگ مصون نگاه داشت.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۹۳

این بررسی با همکاری مقامات صالح ایرانی انجام خواهد شد.

۳- مطالعه (یاری مقامات صالح ایرانی) در مورد کمک احتمالی یونسکو در کادر بودجه در جهت حمایت از اموال تهدید شده در زمان تنازع.

۱۲۷. گزارش هیئت اعزامی دقیق و با بررسی همه جانبه از مناطق آسیب‌دیده تهیه شده است و می‌توان آن را یک اقدام عملی در جهت اجرای قرارداد دانست.^{۱۹۴} هیئت در این مسافرت ضمن بازدید از اصفهان، دزفول، شوش، چغازنبیل، شوشتر، آبادان، خرمشهر و کرمانشاه، به خسارات وارد بر شهر قدیمی دزفول، مسجد جامع اصفهان، ساختمانهای فرهنگی کرمانشاهان و دیگر مناطق آسیب‌دیده اشاره کرده و با نگرش به فرهنگ قدیمی ایران، غیرقابل جبران بودن برخی از این خسارات را به‌طور جدی خاطرنشان نموده است.^{۱۹۵}

۱۹۴. رك. مأموریت در جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اجرای قرارداد ۱۹۵۴ لاهه، تهیه شده توسط الف. عبدالغنی - و. لومر، از ۳۱ اکتبر تا ۷ نوامبر ۱۹۸۵، پانزده صفحه.

۱۹۵. همان، صص ۳ تا ۱۲.

به عنوان مثال، می‌توان قسمتی از گزارش در مورد شهر قدیمی دزفول را تا تاریخ گزارش بازگو کرد:

«... دزفول مدت چند سال است که شاهد بمبارانهای مهم موشکی، هوایی و گلوله‌باران به وسیله توپخانه بوده است. بیش از ۱۵۰ موشک با ذخیر ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلوگرم مواد منفجره به شهر اصابت کرده که حاصل آنها حدود ۵۰۰۰ کشته و مجروح و تخریب ۱۴۵۰ خانه و مغازه بوده است.^{۱۹۶} در اولین نظر بیش از نیمی از قسمت قدیمی شهر تخریب شده و یا به شدت آسیب دیده است.^{۱۹۷} ... قسمت قدیمی شهر تقریباً متشکل از خانه‌های سنتی قرون ۱۷ و ۱۸ است ... نحوه ساختمانهای شهر حاکی از یک فرهنگ قدیمی است که با حملات موشکی از بین رفته است».

^{۱۹۶}. گزارش در عین حال به انتشارات سرفرماندهی ارتش نیز جابجا اشاره می‌کند. رك. «جنگ تحمیلی»، انتشارات سرفرماندهی ارتش، جلد ۲، ۱۹۸۴، ص ۱۳. طبق این آمار ارقام به شرح زیر است:
۷۰۰ کشته، ۳۰۰۰ مجروح، ۵۸۷۶ ساختمان تخریب شده یا خسارت دیده، ۱۲۴۶ مغازه نیز تخریب شده است.
^{۱۹۷}. همان، گزارش، ص ۵.

❖ ۲۹۵ بررسی قواعد حمایت...

گزارش اضافه می‌کند:

«... بیش از ۵۰ درصد مرکز تاریخی شهر دزفول که به‌طور قطع از مهمترین بخشهای میراث ساختمانهای ایرانی است تخریب شده و حتی اگر به حفظ و یا بازسازی کلیه خانه‌های قدیمی تخریب شده بپردازیم دستیابی به بافت تاریخی شهر با خصیصه مهم معماری آن که ارزش اصلی شهر را تشکیل می‌دهد ناممکن است».^{۱۹۸}

۱۲۸. گزارش فوق از دو نظر تاریخی و حقوقی دارای اهمیت است. از نظر تاریخی گرچه قرارداد ۱۹۵۴ جهت حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه مسائل مختلفی را عنوان می‌کند ولی اجرای عملی قرارداد به دلیل عدم شمول آن بر جنگهای کوچک بعد از جنگ جهانی دوم و محدودیت خسارات و لطمات به آثار تاریخی و فرهنگی کشورهای درگیر در جنگ، در حقیقت با جنگ عراق علیه ایران ظاهر می‌شود. از جهت حقوقی نیز گزارش مزبور سند معتبری بر تجاوز مسلم به قرارداد لاهه تلقی

۱۹۸. همان گزارش، صص ۵ و ۶.

می‌گردد. ممکن است این تصور پیش آید که گسترش امکانات در زمینه پخش اخبار و وسعت اطلاعات در زمینه تجاوزات خود می‌تواند اسناد گویایی از واقعیت آنها باشد، اما باید توجه داشت که در روابط بین‌المللی، با توجه به مشکلات ناشی از روابط دول، وجود گزارشی که بتوان به‌عنوان سند، مورد استناد دولتها قرار گیرد ضروری است. گزارش مزبور نیز از چنین اعتباری برخوردار است هرچند متجاوز را صریحاً مشخص نمی‌کند.

۱۲۹. در ۲ مه ۱۹۸۶ ایران اعلام می‌دارد که پروفیسور «لومر» را به‌عنوان کمیسر عمومی می‌پذیرد و ضمناً در مورد اعمال ماده ۹ مقررات اجرایی، دولت سویس را به‌عنوان دولت بی‌طرف معرفی می‌کند. ۱۹۹ بدین‌ترتیب، ایران از این تاریخ نظام کنترل پیش‌بینی شده در قرارداد لاهه را پذیرفته است. ۲۰۰

۱۹۹. نامه شماره ۳۵۵۷ مورخ ۲ مه و ۱۹۸۶ نمایندگی ثابت ایران در یونسکو، آرشیو یونسکو. ۲۰۰ قبل از ایران، نظام کنترل در جنگ خاورمیانه و فقط از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ به‌کار رفته است و در موارد جنگ‌های دیگر دولتها اصولاً چندان رغبتی به اعمال این نظام نشان نداده‌اند. مراجعه کنید به گزارش نهایی

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۲۹۷

«در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۷ ایران اعلام می‌کند که بمبارانها و موشکبارانهای جدید مناطق شهرهای مختلف از جمله شهرهای قدیمی اصفهان و دزفول را مجدداً تخریب کرده و خسارات مهمی وارد آورده است».^{۲۰۱} در همین تاریخ تهران، قم و بروجرد نیز مورد حمله هوایی قرار می‌گیرند.

۱۳۰. به دنبال بمبارانهای مکرر در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۷، وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و نمایندگان ایران در یونسکو اقدامات مختلفی را در زمینه اطلاع مراجع بین‌المللی انجام می‌دهند.

۱۳۱. به دنبال اقدامات فوق، مدیرکل یونسکو طی نامه‌ای با یادآوری آنکه طرفین باید مقررات قرارداد ۱۹۵۴ لاهه را رعایت کنند، بند ۴ ماده اول قرارداد را ذکر و اضافه می‌کند که وظیفه خود را با درخواست از دولتهای متخاصم مبنی بر عدم

نهایی جلسه کارشناسان حقوقی در زمینه حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه، وین، ۱۷ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۸۳.

۲۰۱. نامه شماره ۳۶۸۵ مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۷، نمایندگی ثابت ایران در یونسکو، آرشیو یونسکو.

انجام اعمالی که اموال فرهنگی را در معرض تهدید قرار دهد انجام داده است. وانگهی، به مقررات دیگر قرارداد اشاره می‌کند که می‌تواند سریعاً به جریان گذاشته شود:

— علامتگذاری اموال فرهنگی (مواد ۶، ۱۶ و ۱۷ قرارداد و ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی).

— اعمال بند ۲ ماده ۷ قرارداد و ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی.

— اعمال ماده ۲۵ قرارداد در مورد توزیع.

— اعمال بند اول ماده ۷ قرارداد مبنی بر درج مقررات در آموزش افراد در زمان صلح جهت حسن اجرای قرارداد. ۲۰۲

۱۳۲. از تاریخ دوم تا دهم مارس ۱۹۸۷ کمیسیون دیگری از سوی یونکسو به ایران اعزام می‌گردد. ۲۰۳

۱۳۳. به دنبال اقدامات متعدد، پیشنهاد قطعنامه‌ای در کنفرانس عمومی

۲۰۲. نامه شماره DG/4.5/7.1/20.3 مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۷، آرشیو یونسکو.

۲۰۳. گزارش این کمیسیون محرمانه بوده و در اختیار دولت ایران قرار نگرفته است.

تحت عنوان «مشارکت یونسکو در اجرا و به جریان انداختن مقررات قرارداد ۱۹۵۴ لاهه به منظور حمایت از اموال فرهنگی، مؤسسات آموزشی و بناهای تاریخی، همچنین حمایت از محیط انسانی و طبیعی در زمان نزاع مسلحانه» از سوی نماینده جمهوری اسلامی ایران در یونسکو به عمل می‌آید که هرچند قطعنامه دقیقاً بر مبنای پیشنهاد تنظیم نمی‌شود اما موفقیت چشمگیری از نظر توجه به مسائل عنوان شده تلقی می‌گردد. به موجب این قطعنامه^{۲۰۴} کنفرانس عمومی:

– با عنایت بر این نکته که مشارکت در صلح و اجرای حمایت و حفظ اموال فرهنگی به یونسکو تعلق دارد،

– با تحقیق این مسئله که اموال فرهنگی خسارات شدیدی در جریان نزاع مسلحانه تحمل می‌کند و لطمه به اموال فرهنگی، صرفنظر از تعلق آنها به هر ملتی، آسیب به اموال فرهنگی کل جامعه انسانی است،

– با یادآوری اهداف قرارداد برای حمایت از اموال فرهنگی گنجانیده شده است،

۲۰۴. شماره ۲-۱۱.

۱- مجدداً نقش یونسکو را در آنچه که مربوط به اجرای قرارداد است و در مواد مناسب قرارداد و آیین‌نامه اجرایی آن ملحوظ شده مورد تأکید قرار می‌دهد؛

۲- مدیرکل را دعوت می‌کند تا مکانیسم‌های مواد ذکر شده در بالا را، آنچنان‌که در قرارداد و آیین‌نامه اجرایی اشاره شده است، به شکلی عمیق به کار برد به نحوی که مشارکت در تحقق اهداف این قرارداد بشود.

همان‌گونه که دیده می‌شود، قطعنامه صرف‌نظر از اینکه مسائل کلی را عنوان کرده است اما توجه به صدور آن هنگام جنگ عراق - ایران و محتوای آن مبني بر اجرای قرارداد ۱۹۵۴ لاهه به شکلی دقیق، می‌تواند قطعنامه مؤثري در زمینه بین‌المللی تلقی گردد هرچند به شکلی صریح مسائل متنازع‌فیه را عنوان نکرده است.

۱۳۴. بالاخره می‌توان از آخرین اقدام در این زمینه، پیشنهاد مجدد نماینده جمهوری اسلامی ایران برای اجلاس تحت عنوان «نقش یونسکو برای تأمین اجرای مقررات قرارداد ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۰۱

اموال فرهنگی، مؤسسات آموزشی و بناهاي تاریخی، همچنین حفظ محیط انسانی و طبیعی در نزاعهاي مسلحانه» برای قرار گرفتن در دستور موقت کنفرانس عمومی را یادآوری کرد. این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت و مقرر شد در یکصد و بیست و هفتمین جلسه شورای اجرایی بررسی گردد.

۱۳۵. همانطور که روند جریان در جنگ عراق - ایران نشان داد، وجود قرارداد لاهه نمیتواند به تنهایی کمک مؤثری برای جلوگیری از تهاجمات باشد اما، در عین حال، نمیتوان گفت که اعمال قرارداد بدون اهرمهاي فشار بین‌المللی و توجه و دقت، و بیشتر از آن تعهد و دلسوزی مسئولان يك کشور که اموال فرهنگی ایشان در معرض تهدید و آسیب است، قابل تصور باشد؛ زیرا وجود علاقه به اجرای قراردادهای بین‌المللی را باید در علائم این توجه جستجو کرد و برای هر يك اعتباری در حد آن قائل شد.

مبحث ۳

اشکالات ناشی از قرارداد و اجرای آن

۱۳۶. گذر کوتاه ما بر قرارداد و روند اجرائی آن حکایت از کوتاهی زمان قرارداد ندارد. عمر سی و چند ساله قرارداد و وقوع چند جنگ در فاصله تدوین آن تا امروز به خصوص جنگ عراق - ایران، از سویی اهمیت چنین قراردادهایی را روشن می‌سازد و از سوی دیگر اشکالات آنها را مشخص می‌کند. می‌توان ایرادها را از طرفی ناشی از نقض قرارداد و از طرف دیگر ناشی از اجرائی آن دانست.

قسمت اول

اشکالات وارد بر قرارداد

۱۳۷. هرچند از نظر حقوقی و روابط بین‌المللی قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه را می‌توان یکی از قراردادهای مهم تاریخ بشری دانست اما نمی‌توان از ایرادهای وارد بر آن چشم پوشید. بی‌تردید، منعقدکنندگان قرارداد خود با بسیاری از مسائل آشنا بوده‌اند و شاید اصول حاکم بر روابط بین‌المللی و به خصوص اصل

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۰۳

«حاکمیت دولتها» و «عدم مداخله در امور یکدیگر» ایجاب کرده است که برخی از مسائل را برای تحقق قرارداد نادیده بگیرند، اما صرفنظر از این اصول می‌توان به مسائل چندی اشاره کرد.

۱۳۸. به اعتقاد ما در شرایط فعلی مهمترین اشکال وارد بر قرارداد «طولانی بودن نظام کنترل» از سویی و عدم وجود ضمانت‌های اجرایی قاطع از سوی دیگر است.

۱۳۹. در حدود چهل سال از تاریخ انعقاد قرارداد گذشته و دولتهای بسیاری بدان ملحق شده‌اند. در این دوره، بشر شاهد تحولات سریع تکنیکی به‌خصوص در زمینه ارتباطات بوده است. گسترش روزافزون صنایع جنگی و پیشرفت ابزار نظامی در نزاعهای مسلحانه نیز از نظر دور نیست. وجود جنگهای ناگهانی و بدون اعلام قبلی با استفاده از بمبهای مختلف و موشکهای دورپرواز، وجود یک نظام کنترل سریع و قاطع را ایجاب می‌کند. قرارداد لاهه در جمع فاقد این نظام سریع و قاطع است. تعیین کمیته‌های عمومی و اقدامات دولتهای حمایتگر در چارچوب مدت محدود و مشخصی قرار نگرفته است. تجربه

جنگ عراق - ایران به‌خوبی طولانی بودن
نظام کنترل را مشخص می‌سازد.

۱۴۰. قرارداد به‌کرات کلمه «تعهد
دولتها» را به‌کار برده است. این مفهوم
در حقوق بین‌الملل حتی گاه به کلمه
«تعهد» در حقوق مدنی تبدیل شده است اما
نحوه اجرای این تعهدات و ضمانت اجرای
آنها را قرارداد به روشنی مشخص نکرده و
از نظر ضمانت اجرا صرفاً به تدوین ماده
۲۸ بسنده نموده که گرچه از نظر جزایی
قابل اهمیت است اما از نظر اعمال حقوقی
مواجه با اشکال است. ۲۰۰ ماده مزبور در
کادر سیستم جزایی هر کشوری اقدامات
ضروری جهت اعمال ضمانت اجرای جزایی و
انتظامی را پیش‌بینی کرده است اما، با
توجه به اینکه «تجاوز از قرارداد»
می‌تواند به‌عنوان «یک جرم بین‌المللی»
مورد بررسی قرار گیرد، لذا دادگاه‌های
ملی که در چارچوب سرزمینی بودن قوانین
جزایی عمل می‌کنند نه در محدوده حقوق
جزایی بین‌الملل (که آن هم به تنهایی
دچار اشکال است) نمی‌توانند از نظر عملی
اقدامی در جهت تعقیب و مجازات متجاوزان

۲۰۵. رك. شماره ۷۴ این مقاله.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۰۵

انجام دهند. نمونه روشن عدم اجرای ماده ۲۸ را می‌توان در جنگ عراق - ایران مورد توجه قرار داد. با توجه به بررسی‌های انجام شده و اقدامات به‌عمل آمده و صدور قطعنامه در این زمینه، تجاوز از قرارداد ۱۹۵۴ به روشنی مشخص گردیده است. طبق ماده ۲۸، قوانین جزایی ما می‌توان این تجاوز را مورد تعقیب و مجازات قرار دهد، اما واقعیت قضیه نشان می‌دهد در حالی‌که جرم وقوع یافته اما متهمی دستگیر نشده است، به‌خصوص اگر توجه کنیم که امروز غالب این تهاجمات که به تخریب و نابودی اموال فرهنگی ملت‌ها می‌انجامد با موشک‌های دوربرد و یا بمباران‌های هوایی انجام می‌شود. لذا به‌نظر می‌رسد ماده ۲۸ بیشتر جنبه تشریفاتی دارد. ممکن است ایراد شود که اشکال بالا نه ناشی از قرارداد بلکه منتج از روابط بین‌المللی و فقدان یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی است، اما باید گفت نگارش ماده ۲۸ به‌نحوی است که به‌نظر می‌رسد منعقدکنندگان قرارداد در ماده مزبور

بیشتر جانشین تهیه‌کنندگان قوانین داخلی شده‌اند تا يك قانون بين‌المللي.

۱۴۱. علاوه بر ایرادهای بالا مسائل مختلف دیگری نیز قرارداد را دچار خدشه می‌سازد که هر يك در جای خود اهمیت تجدیدنظر در قرارداد را می‌نمایاند. از جمله این اشکالات می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

الف. وجود برخی مفاهیم مبهم چون «ضرورت نظامی». این ضرورتهای نظامی چیست، حدود اعمال آنها تا کجاست و مرجع تفسیر آنها چه کسانی هستند؟ و یا در حمایت خاص استفاده از جمله «آثاری با اهمیت فوق‌العاده» که مشخص نشده این اهمیت را چگونه باید تشخیص داد، تعریف آن چیست و قلمرو آن کدام است؟

ب. قدرتهای حمایتگر دقیقاً تعریف نشده‌اند و حدود اختیارات آنها منجزاً روشن نگردیده است.

ج. طریق اجرای تعهدات در برخی از زمینه‌ها روشن نیست. به‌عنوان مثال، در ماده ۹ قرارداد نحوه تضمین مصونیت اموال زیرچتر حمایت خاص توسط دولتها به روشنی معلوم نشده است.

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۰۷

د. تعهد دولتها براي نشر و پخش قرارداد و گنجانيدن آن در برنامه‌هاي آموزشي نيز بيشتري جنبه تشريفاتي دارد و قرارداد به شكلي قاطع با مسئله برخورد نكرده است.

ه. مهلت‌هاي مندرج در قراردادهاي يا نامعين است و يا در برخي موارد، با توجه به تكنيك‌هاي جديد ارتباطات، طولاني مي‌نمايد. قرارداد در بسياري از موارد به تكليف مديركل با عبارت «در كوتاهترين مدت و يا به طريق سريع» در قبال اقدامات لازم اشاره كرده اما چون مدت را مشخص نساخته است لذا امكان استفاده از تفسير موسع اين جملات مي‌تواند زيان‌آور باشد. مي‌توان از مدت‌هاي «طولاني» چهارماهه، شش ماهه و حتي يكساله نيز در برخي موارد نام برد كه طول اين مدت‌ها اعمال قرارداد را دچار اشكال مي‌سازد.

۱۴۲. به يك مسئله مهم، كه البته نمي‌توان دقيقاً آن را ايرادي اساسي بر قرارداد دانست ولي قبلاً نيز بدان اشاره شده^{۲۰۶} و از اهميت فوق‌العاده‌اي برخوردار

۲۰۶. رك. شماره ۹۹ اين مقاله.

است، باید اشاره کرد و آن ضعف قرارداد از جهت تفسیرپذیری وظایف یونسکو و به خصوص مدیرکل آن است، که البته اگر آن را در جهت مثبت و موسع مورد توجه قرار دهیم شاید نقطه قوت قرارداد باشد. در قرارداد، صلاحیت یونسکو و به خصوص مدیرکل آن و ابتکاراتی که می‌تواند به عمل بیاورد و حدود خدماتی که می‌تواند انجام دهد منجزاً مشخص نشده است. درگیری‌های بین‌المللی که اموال فرهنگی را مورد تهاجم قرار دهد آنچنان متعدد نبوده است که بتواند رویه‌های عملی ایجاد کند و نقش مهم یونسکو و مدیرکل آن را مشخص سازد. لذا قرارداد از این نظر می‌تواند مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

قسمت دوم

اشکالات وارد بر اجرای قرارداد

۱۴۳. مسئله «اجرا» در يك قرارداد بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است و در عین حال مشکلات زیادی را نیز دربردارد. دارای اهمیت است زیرا گسترش محدوده قرارداد به دلیل آنکه در سطح

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۰۹

بین‌المللی تنظیم شده و کشورهای مختلفی را زیرپوشش خود می‌گیرد تعهدات جامعه بین‌الملل را در قبال مسئولیتهای مشترک بین‌المللی نشان می‌دهد. مشکلات اجرایی قرارداد نیز ناشی از همین گسترش محدوده قرارداد است زیرا دول گوناگون که تابع مقررات اداری خاص و قوانین اساسی ویژه خود هستند، در عین حال نمی‌توانند غافل از افکار عمومی جامعه خویش در قبال مسائل بین‌المللی باشند. گرچه جامعه داخلی نسبت به مسائل خود بیشتر حساسیت دارد تا جامعه بین‌الملل اما از آن نیز غافل نیست. پیچیدگی روابط بین‌المللی در ارتباط با مسائل داخلی موجب می‌شود که اجرای قراردادهای بین‌المللی به سادگی امکان‌پذیر نباشد.

۱۴۴. اشکالات اجرایی بر چندگونه است: برخی اصولاً ناشی از جدایی بعضی از دولت‌ها از قرارداد، برخی ناشی از عدم توجه منعقدکنندگان قرارداد به اجرای آن و بالاخره برخی ناشی از طبیعت خود قرارداد است.

اصولاً بسیاری از دولت‌ها هنوز قرارداد را تنفیذ نکرده‌اند و علت‌های

این عدم تنفیذ را می‌توان یا در عدم علاقه دولتها به ورود در این‌گونه قراردادها دانست و یا در عدم اطلاع دقیق از نقش و اهمیت این‌گونه قراردادها در روابط بین‌المللی. به‌عنوان مثال، در گزارشی که کارشناسان حقوقی در اجلاس خود داده‌اند،^{۲۰۷} اعلام داشته‌اند که کشورهای امریکای لاتین تمایلی به تنفیذ این قراردادها نشان نداده‌اند. این عدم تمایل ممکن است یا به‌دلیل آن باشد که به قراردادهای دیگری ملحق شده‌اند و یا آنکه اصولاً فاقد اموال فرهنگی قابل توجه برای الحاق به قرارداد لاهه هستند. برخی از دولتها نیز اصولاً اهمیت قراردادهای بین‌المللی را یا درک نمی‌کنند و یا این‌گونه قراردادها را به دلیل عدم اجرای آنها مورد تردید قرار می‌دهند. در صورت اخیر می‌توان گفت خود این قبیل دولتها با عدم الحاق به این‌گونه قراردادها در سست کردن اجرای آنها دخالت مستقیم دارند.

^{۲۰۷}. مراجعه کنید به اجلاس کارشناسان حقوقی در مورد قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه (لاسه ۱۹۵۴)، وین ۱۷ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۸۳، گزارش نهایی، انتشارات یونسکو.

۱۴۵. اشکال دیگر از نظر اجرایی (که شاید بیشتر ناشی از اشکال قرارداد و آیین‌نامه اجرایی آن باشد) عدم اعمال نظارت یونسکو به نحو دقیق در اجرای قرارداد است. در حالی‌که یونسکو می‌تواند نقش بسیار مؤثری در این زمینه داشته باشد و مواد متعدد قرارداد در زمینه‌های مختلف به این نقش اشاره کرده اما تعریفی دقیق از این نقش در موارد نزاع و حق ابتکار عمل این سازمان جهانی نشده است.^{۲۰۸} به‌عنوان مثال، اجرای قرارداد در زمان صلح توسط دولت‌ها رضایت‌بخش نبوده و بسیاری از دولت‌ها به تعهدات خود عمل نکرده‌اند و یونسکو نیز نتوانسته است در زمینه عدم اجرای قرارداد، با توجه به اختیارات محدود خود، عملی انجام دهد. از جمله می‌توان از گزارش‌هایی یاد کرد که طبق ماده ۲۶ قرارداد دولت‌ها مکلف بوده‌اند به مدیرکل تسلیم کنند. تعداد این گزارش‌ها خیلی محدود بوده است.^{۲۰۹} با در نظر گرفتن آنچه که در مورد عدم تعریف

۲۰۸. گزارش‌هایی کارشناسان حقوقی، بند ۷- الف.
۲۰۹. پانزده گزارش در ۱۹۶۲، شانزده گزارش در ۱۹۶۷، پانزده گزارش در ۱۹۷۰، نوزده گزارش در ۱۹۷۹ و هیجده گزارش در ۱۹۸۳.

نقش یونسکو عنوان شد، در مورد عدم تسلیم چنین گزارشهایی تکلیف مدیرکل چیست؟^{۲۱۰} با توجه به مواد مختلف قرارداد و استنباط از اعمال نظارت یونسکو اجرایی قرارداد می‌توان گفت که مدیرکل حق دارد به طرفین یادآوری کند که تبعیت از ارائه این گزارشها يك تعهد قانونی است که عدم احترام به آن تجاوز به بند ۲ ماده ۲۶ قرارداد است که مقرر می‌دارد دولت‌ها هر چهار سال يك بار گزارشی به مدیرکل تسلیم می‌کنند که در آن گزارش اطلاعات لازم را در زمینه اقدامات مقتضی این دولت‌ها در زمینه اجرایی قرارداد و آیین‌نامه اجرایی آن در اختیار مدیرکل قرار می‌دهند.^{۲۱۱}

البته، یادآوری این نکته ضروری است که حتی در صورت چنین اقداماتی نمی‌توان به اثر اجرایی قرارداد بهای فراوان داد اما، در حقیقت، می‌توان نوعی «مسئولیت اخلاقی» دولت‌ها را در زمینه اجرایی تعهدشان برانگیخت.

۲۱۰. در مورد این گزارشها رك.:

J. Toman: op.cit., pp. 45-49.

۲۱۱. گزارش نهایی کارشناسان حقوقی، بند ج - ۲۷.

۱۴۶. یکی از مسائل مهم در اجرای قرارداد (که باز ناشی از ابهامات خود قرارداد است) مسئله تعیین کمیسرهایی عمومی است که «نظام کنترل» را دشوار می‌سازد. عدم توجه دولتها به سرعت لازم این نظام در شرایط نزاع مسلحانه، تعیین کمیسرهایی عمومی را نیز دچار مشکل می‌کند. این مسئله در جنگ عراق - ایران نیز مشهود است و بررسی روند «نظام کنترل» در این جنگ نشان می‌دهد که تأخیر در اجرای این نظام بیشتر منوط به تعیین کمیسرهایی عمومی بوده است نه عدم قبول «نظام کنترل». در اجلاس کارشناسان حقوقی یونسکو بر این مسئله تأکید شده است که «یونسکو نباید در مذاکرات برای تعیین کمیسرهایی عمومی مداخله کند ولی می‌تواند برای تسریع جریان کمک نماید و همچنین به بررسی نتایج اقدامات انجام شده توسط کمیسرهایی عمومی بپردازد».^{۲۱۲} به اعتقاد ما با توجه به آنچه که قبلاً در مورد نقش یونسکو و به‌ویژه مدیرکل آن عنوان شد، دخالت یونسکو به‌طور مستقیم بسیاری از اشکالات اجرایی را در مرحله تعیین

۲۱۲. همان، بند د - ۳۴.

کمیسرهای عمومی رفع خواهد کرد و حتی اگر ایراد شود که در قرارداد چنین مسئله‌ای با صراحت عنوان نشده است. می‌توان در درخواست تجدیدنظر در مفاد قرارداد اصلاح آن را مورد توجه قرار داد.

۱۴۷. صرفنظر از مسائل متعددی که می‌توان در اجرای قرارداد بدانها توجه کرد و بر قاطعیت اجرای آن افزود یک مسئله مهم نباید از نظر دور شود و آن اصولاً شناخت اعتبار برای یک قرارداد بین‌المللی است که می‌تواند اجرای آن را تسهیل کند. قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه هنوز و متأسفانه از آنچنان اعتباری که شایسته آن است برخوردار نشده تا دول مختلف در اجرای آن همکاری لازم و مساعدت ضروری را به عمل آورند.

۱۴۸. برای اجرای قرارداد و نظارت دقیق بر این اجرا یکی از ابزارهای قرارداد لاهه تشکیل جلسات منطبق با ماده ۲۷ است. «پروژه یونسکو» تشکیل جلسات چهار ساله‌ای را پیش‌بینی می‌کرد که موضوع آنها مطالعه مسائل مربوط به تفسیر یا

بررسی قواعد حمایت... ❖ ۳۱۵

اجرای قرارداد و آیین‌نامه اجرایی آن، تدوین سفارشهایی در این زمینه‌ها و حتی تجدیدنظر در مورد این مدارک بود.:

«اگر می‌خواهیم که قرارداد زنده بماند، که اجرای آنها توسعه پیدا کند و به تدریج اصلاح شود، باید تمایل بسیار داشته باشیم تا برخوردهای مستقیم بین دول عضو انجام پذیرد...»^{۲۱۳}

اما به هر حال ماده ۲۷ قرارداد تصویب شده است که به مدیرکل حق می‌دهد پس از تأیید شورای اجرایی، جلسات نمایندگان قرارداد را منعقد سازد و یا در صورتی که حداقل ۱/۵ دولتهای عضو تقاضای تشکیل جلسه را بکنند به انعقاد آن اقدام نماید. جلسات به بررسی اعمال قرارداد و آیین‌نامه اجرایی و تدوین سفارشهایی در این زمینه‌ها اقدام خواهد کرد. وانگهی، چنانچه اکثریت طرفهای قرارداد حضور داشته باشند به تجدیدنظر در قرارداد در صورت لزوم اقدام می‌کند. علی‌رغم اهمیت این ماده برای نظارت‌بر

213. Proget Unesco CBC/3- art. 26, Actes, p. 399.

اعمال قرارداد، تنها يك جلسه در يونسكو از ۱۶ تا ۲۵ ژوئيه ۱۹۶۲ تشكيل شده است. ۳۹ دولت در اين جلسه شركت کرده بودند و ۱۸ دولت كه عضو قرارداد نبوده‌اند ناظراني فرستاده بودند. هيچ‌گونه پيشنهاد اصلاحي انجام نشد و اجلاس صرفاً به بررسي اعمال قرارداد پرداخت. ۲۱۴ در اين زمينه يك گروه كارشناسي تشكيل داد كه گزارش آن به گزارش اجلاس ضميمه شد. ۲۱۰ نتيجه جلسات عمومي مسائل زير را به‌خصوص مورد توجه قرار داد:

الف. توجه به ذينفع اين مسئله كه هرچه ممكن است تعداد بيشتري از دولتها عضو قرارداد شود.

ب. توجه به اهميت اقداماتي كه دولتها بايد در زمينه ملي انجام دهند.
ج. توجه به اهميت نقشي كه كميته‌هاي ملي براي اعمال قرارداد دارند.

ملاحظه مي‌شود كه اجلاس در مورد مسائل اجرايي عمل مهمي انجام نداده و اين مسئله بيشتر ناشي از عدم توجه دولتها به اجرايي قرارداد و تشكيل جلسات منظم

۲۱۴. گزارش اجلاس، اسناد يونسكو CUA/120، مورخ ۳ سپتامبر ۱۹۶۲، ص ۵۳.
۲۱۵. همان، ص ۴، بند ۱۹.

در این زمینه بوده است، هرچند - همچنان که قبلاً نیز یادآوری شد - اصولاً تشکیل چنین جلساتی با توجه به سلیقه دولتها دشوار می‌نماید.

۱۴۹. اشکالات عنوان شده وقتی توأم با عدم توجه و دقت در اجرای قرارداد باشد نتیجه‌ای تأسف‌آور خواهد داشت. به عنوان مثال، این سؤال می‌توان مطرح شود که چگونه سیر «نظام کنترل» که خود به هر حال دارای موانعی است که عنوان گردید آنقدر کند بوده و یا چرا با وجود جنگ به ایمنی مکانها و بناهای تاریخی اقدام نشده است؟ آیا امکانات کم بوده یا علقه‌های تاریخی مسئولان گسسته شده است؟! تاریخ پاسخگویی بسیاری از چراهاست.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱۵۰. صرف‌نظر از کلیه اشکالاتی که بر قرارداد ۱۹۵۴ لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه وارد است می‌توان آن را یکی از مهمترین قراردادهای حاضر در زمینه حمایت از

فرهنگ انسانیت دانست. شاید اگر انسان تابع عقل بود و پشتیبان حقیقت، ضرورت وجود چنین قراردادهایی از نظر بین‌المللی مورد تردید قرار می‌گرفت، اما متأسفانه چنین نیست و تجاوز و تعدی همیشه وجود داشته و دارد و وجود خواهد داشت. عقل را در حکومت غرایز نقشی نیست و حقیقت را در برخورد منافع و اعمال قدرت جایگاهی بس تنگ و محدود است. لذا در برخورد با چنین قراردادهایی باید واقع‌بین بود و حدود قدرت اجرای آنها را در حد توان تشخیص داد نه در تخیلی از آن حقیقت والای آفرینش که انسان در جستجوی آن است. این ایراد که این‌گونه قراردادهای به دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی دقیق مورد تردید و حتی بی‌فایده است ناشی از طبایع هیجان‌زده‌ای است که امکانات بشر و استعداد او را از دیدگاه خود مورد بررسی قرار می‌دهند نه از زاویه دسترسی به واقعیت. قرارداد ۱۹۵۴ لاهه نیز انعکاسی از این واقعیت است که تهاجم و تجاوز به اموال فرهنگی که میراث انسانیت است باید به‌نحو محدود شود. گرچه در عمل حتی ممکن است قرارداد

اصولاً اجرا نشود اما روابط بین‌المللی و احترام (شاید بیشتر صوری تا واقعی) به افکار عمومی جهانیان دولتها را مجبور به تبعیت - هرچند ظاهری - از قرارداد خواهد کرد که به‌رحال نتیجه آن اگرچه نه رضایت‌بخش ولی مفید خواهد بود.

با توجه به مبنای بالاست که کوشش شد این قرارداد تا حد امکان روشن شود، روند آن در جنگ عراق - ایران شناخته گردد و به اشکالات ایرادهای آن به شکلی محدود توجه داده شود. در طول این بررسی به این مسئله اساسی توجه داده شد که امروز با وجود امکانات وسیع تکنیکی، گسترش صنایع نظامی، وجود بمبهای خوشه‌ای و ناپالم و موشکهای دور پرواز و احتمالاً بمبارانهای اتمی، بیش از هر زمانی ملتها و میراث فرهنگی آنها در معرض تهدید و انهدام است؛ لذا قراردادی با عمر سی و چند ساله، علی‌رغم اهمیت آن، امروز نمی‌تواند به شکل موجود پاسخگویی جامعه بشری باشد. تحول جوامع تحول اندیشه‌ها را می‌طلبد و اندیشه‌های بارور در جستجوی کمال تلاش می‌کنند. به‌خصوص وقتی که سرعت تحول فراتر از تصورات است

باید بی‌تردید و با فوریت اقدام کرد. لذا با اصرار بر وجود بافت قرارداد به‌عنوان يك قرارداد مهم در روابط بین‌المللی و با توجه به اصول حاکم بر این روابط، لازم است اصلاحات اساسی در آن به‌عمل آید تا میزان تأثیر آن بیش از گذشته باشد. در عین حال، نباید نادیده گرفت که اثر هر قرارداد بین‌المللی را باید با توجه به پایگاه‌های اجرایی آنکه دولت‌ها هستند مورد سنجش قرار داد. بدین‌گونه، اصلاحات باید در زمینه بین‌المللی از جهت تدوین قراردادی کامل‌تر و از نظر داخلی در جهت همبستگی دقیق‌تر و هماهنگی بیشتر با اجرای قرارداد به‌عمل آید.

اولاً در زمینه بین‌المللی به‌نظر می‌رسد که تجدیدنظر در قرارداد از هرجهت ضروری است. در این تحقیق کوشش شده تا ضمن طرح مسائل کلی که به‌عنوان ایرادهای وارد بر قرارداد و اجرای آن عنوان گردیده است، خللهای آن یادآوری شود تا بر تأثیر بیفزاید. به‌طور قطع اگر بنا بر تجدیدنظری کلی در قرارداد باشد مطالعه‌ای کامل را ایجاب می‌کند تا بر

یکایک موارد بتوان تکیه کرد و آنها را بررسی نمود. به‌طور خلاصه اشاره می‌کنیم که تغییر نظام کنترل در جهت سرعت و قاطعیت، مشخص ساختن وظایف قدرتهای حمایتگر و یا احتمالاً تغییر نظر در حدود اختیارات این قدرتها، ایضاً مفاهیم و اصطلاحات، وجود ضمانت اجراهای دقیق‌تر و روشن‌تر در جهت پاسخ به تجاوزات احتمالی و اعطای نقش حساستر و بیشتر به یونسکو برای ابتکار عمل از مواردی است که تغییر و تکمیل قرارداد را می‌طلبد. وانگهی، تشکیل مجامع به‌طور مداوم، پخش و نشر مفاد قرارداد و جلب علاقه دولتهای مختلف برای پیوستن به قرارداد و تجدیدنظر در آن از مسائلی است که باید در زمینه بین‌المللی بدان اقدام گردد. ثانیاً از نظر داخلی... همان‌طور که قبلاً اشاره شد، دولتها باید با علاقه خاص بدین‌گونه قراردادها توجیه کنند و به این مسئله بیندیشند که هر لحظه ممکن است میراث فرهنگی آنها نیز دستخوش تهاجمات گردد. ارتباطات دولتها از طریق قرارداد با یونسکو باید دائمی، کارساز و مفید باشد. ایجاد مرکزی تحت عنوان

«مرکز حمایت از آثار فرهنگی به‌هنگام نزاع مسلحانه» به‌خصوص در زمان جنگ ضروري است. این مرکز باید شعبي لااقل در شهرهایی که بافت شهري تاريخي دارند و یا دارای آثار تاريخي هستند تشکیل دهد که به‌طور مداوم در ارتباط با مرکز آثار هر کشور و یونسکو قرار داشته باشند. قطعنامه دوم از کنفرانس ۱۹۵۴ لاهه وجود يك «کمیته مشورتي ملي» را آرزو می‌کند که هر دولتي با توجه به قوانین اساسي و اداري خود تشکیل می‌دهد. این کمیته که از افراد متخصص و زیر نظر بالاترین مقام مسئول حافظ اموال فرهنگی يك کشور (وزیر علوم و آموزش عالی به‌عنوان مثال) انجام وظیفه می‌کند، مراقبت بر حفظ و حراست این اموال را برعهده می‌گیرند. وظایف این کمیته به‌طور خلاصه عبات است از:

الف. با دولت در زمینه اجرای قرارداد در سطح قانونگذاری، تکنیکی یا نظامی در موارد نزاع مسلحانه یا به‌هنگام صلح مشورتهای لازم را انجام می‌دهد.

ب. در موارد نزاع مسلحانه از دولت می‌خواهد که از این اموال با قوای نظامی حمایت کند.

ج - در این زمینه با مراکز دیگر ملی و بین‌المللی همکاری کند.

با توجه به اینکه این مراکز در ارتباط با دیگر مراکز ملی و بین‌المللی هستند لذا این همکاری می‌تواند طرق مختلف حمایت از اموال فرهنگی را ارائه دهد و هر دولتی با توجه به امکانات خود و قوانین اساسی و اداری خویش در اجرای این حمایت کوشش کند.

در ایران، جنگ طولانی عراق - ایران خسارات فراوانی به اموال فرهنگی وارد ساخته که چنانچه روند اقدامات در سیر جنگ همچنان باشد که بوده است امکان وقوع خسارات بسیار دیگری نیز وجود دارد.^{۲۱۶} کتمان نباید کرد که تأخیر در اجرای نظام کنترل از طرفی ناشی از اشکالات وارد بر اجرای قرارداد بوده است، اما از سوی دیگر فعالیت مقتضی و

۲۱۶. خوشبختانه با پایان یافتن جنگ از ایجاد خسارات بیشتر جلوگیری شد.

ضروري به نحو كامل براي اجراي سريع اين نظام نشده است.

بسياري از اموال فرهنگي ما كه مي تواند زير چتر حمايت خاص قرار گيرد نه علامتگذاري شده و نه هنوز در دفتر ثبت بين المللي به ثبت رسيده است. آثار ثبت شده صرفاً محدود به ميدان نقش جهان اصفهان، پرسپوليس و چغازنبيل بوده در حالي كه مي دانيم آثار گرانقدر بسياري در ايران وجود دارد كه هريك به تنهائي ثروت عظيمي براي کشور است.

موزه هاي ما بي حفاظ و كتابخانه هاي ما بي پناه است و ديگر آثار تاريخي ما هر لحظه دستخوش آسيب و نقصان. بگذريم كه بسياري از شهرها و روستاهي ايران خود تابلوهي درخشاني از تاريخ، فرهنگ و تمدن ايرانيان هستند و با ابزارهاي پيشرفته جنگي امروز هر آن در معرض آسيب و انهدام قرار دارند. صرفنظر از اينكه جلوگیری از اين آسيبها در برخي موارد دشوار مي نمايد اما به اعتقاد ما اقدامات زير مي تواند دايره وسيع لطمات را محدود مي کند:

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۳۲۵

- ۱- تقویت مرکز میراث فرهنگی و ایجاد شعب مختلف این مرکز به‌خصوص در شهرهای تاریخی ایران و همکاری مداوم این مرکز با شعب خود و مراکز دیگر ملی و بین‌المللی چون یونسکو.
- ۲- ثبت آثار تاریخی در فهرست میراث جهانی و علامت‌گذاری این آثار.
- ۳- اقدامات لازم برای ایجاد حفاظ، به‌خصوص در مورد موزه‌ها و کتابخانه‌ها و دیگر مراکز هنری و فرهنگی برای محدود ساختن آسیب‌های ناشی از بمباران هوایی و موشک‌های دوربرد. در صورت عدم امکان انجام سریع این امر، دور ساختن این آثار از برد این حملات و یا جلوگیری از تجمع آنها برای محدود ساختن خطر.
- ۴- تدوین برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی برای آشنا ساختن مردم به اهمیت این آثار و مشارکت آنها در حفظ میراث فرهنگی خود.
- ۵- ایجاد نشریات خاص در زمینه تحقیقات مداوم مرکز میراث فرهنگی و اعمال قرارداد.
- ۶- همکاری مرکز میراث فرهنگی با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای

آشنایی با دیدگاه‌های طرفین و ارائه پیشنهادهای لازم برای قوه قانونگذاری.

۷- بررسی مداوم قرارداد ۱۹۵۴ لاهه توسط مرکز و شعب آن و نیز صاحب‌نظران و ارائه اصلاحات به یونسکو برای تجدیدنظر و رفع اشکالات.

۸- بالاخره توجه عمیق به این نکته که نگاه‌بانی از میراث فرهنگی یک کشور ممکن نیست مگر آنکه مردم و دولت آن کشور به اهمیت این میراث آگاه باشند و به فرهنگ و تاریخ خود در عمق وجود خویش احترام بگذارند.

افراد بشر می‌میرند اما سنتها و یادگارهای آنان باقی می‌ماند تا نسل‌های آینده واقعیت حیات خویش و هویت خود را در لابلاي سطر سطر هر نوشته‌اي، بیت هر شعري، سایه هر نقشي، آجر هر بنایي و قصه هر آنچه مانده از گذشته‌اي پیدا کنند.

كتابنامه

منابع خارجي:

Acte final de la conférence intergouvernementale sur la protection des biens culturels en cas de conflit armé, LA HAYE, 1954.

Convention pour la protection de biens culturels en cas de conflit armé, LA HAYE, 1954

Règlement d'exécution de la convention pour la protection des biens culturels en cas de conflit armé

Les resolutions

Rapport final: reunion d'experts juridiques sur la convention pour la protection des biens culturels en cas de conflit armé, Vienne 17-19 octobre 1983, Unesco.

Recueil des sentences arbitrales, II, edi, O.N.U. 1949

Recueil de legislation comparée et de droit international, 1940.

JINI TOMAN: Le mandat de l'Unesco dans la mise en oeuvre de la Convention de LA HAYE pour conflit armé, Rapport, Unesco.

AHMAD RACHID: Islam et le droit des gens, Academie de droit international, Recueil des cours, 1937, II, tome 60.

S.E.NAHLIK: La protection international des biens culturels en cas de conflit armé. Recueil des cours de l'Academie de droit international (LA HAYE), Vol. II, 1967, p. 66 et s.

E. NYS: Le droit des gesn dans les rapports des Arabes et Byzantiens, R.D.I.L.C, T. 26, 1894.

BLUNTSCHIL: le droit internatonal codifié, Paris, 1870.

A.MERIGNHAC: De la sanction des infractions au droit des gens commises au cours de la guerre europeenne, R.G.D.I.P. XXIV- 1917.

EL MAWERDI: Traité de droit public musulman, 1906, Paris, edit. E.LEROUX, tome 2, 1 er partie, le droit de la guerre,

C.LOMBOIS, Droit pénal international, Ed. Dalloz, 1979.

G.H.BOUSQUET, le droit musulman, 1963, A. Colin.

منابع فارسي:

— مجموعه قوانين جزايي اصلاحي ۱۳۵۲.
— قانون راجع به مجازات اسلامي (تعزيرات).

— قانون راجع به حفظ آثار ملي مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹.

— آييننامه (نظامنامه) اصلاحي اجراي قانون راجع به حفظ آثار عتيقه مصوب ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱.

بررسي قواعد حمايت... ❖ ۳۲۹

